

در فرماندهی کابل چه گذشت؟

از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



پس از دقت و تأمل در باره این مسایل و بدیل‌های محدودی که در اختیار داشتیم، بدین نتیجه واصل شدم که اگر بنا باشد که سنگاپور به صفت یک دولت-شهری جزیره در جنوب شرق آسیا دوام و بقا داشته باشد، نمی‌تواند به حیث یک واحد سیاسی عادی و معمولی عمل کند. برای تأمین بقای چنین دولت-شهری، لازم است مردم آن به کوشش‌های خارق‌العاده دست بزنند و مردمی متحد، سخت‌کوش، و قابل انتساب با شرایط بیار آیند؛ ما که در چنین دولت-شهری زندگی می‌کردیم باید کسانی می‌شدیم که امور را بطور مؤثرتر و ارزان‌تر نسبت به همسایه‌ها انجام می‌دادیم؛ زیرا همسایه‌های مامصم بودند تا ما را نادیده بگیرند و نقش ما را به حیث گدام و دلال تجارت منطقه از بین ببرند



صفحه ۶

تحلیلگران در پیوند به پیشنهاد تازه پاکستان:

فرستادن نظامیان به پاکستان برای آموزش درست نیست

ناجیه نوری

پیشنهاد پاکستان مبنی بر آموزش نیروهای نظامی افغانستان به دلیل روحیه ضد پاکستانی که در میان سربازان ارتش افغانستان حاکم است، عملی نیست. شماری از آگاهان سیاسی نظامی با بیان این مطلب می‌گویند، در گذشته از میان ده‌ها نظامی‌بی‌که برای رفتن به پاکستان جهت آموزش کاندید شده بودند، تنها یکی و دو نفر حاضر برای رفتن می‌شدند. به گفته آنان، حتا بحث مانور مشترک که سه سال قبل مطرح شده بود نیز مورد تأیید منسوبین ارتش افغانستان واقع نشد و به همین دلیل مانور مشترک با وجود اینکه پرتوکولی نیز در این زمینه امضا شده بود، اجرا نشد. جنرال راحیل شریف، فرمانده ارتش پاکستان پنجشنبه هفته گذشته ۱۵ عقرب/آبان در جریان سفر یک روزه‌اش به کابل و در دیداری که با رهبران دولت وحدت ملی افغانستان و

مقام‌های امنیتی کشور داشت، به مقامات ارشد افغانستان در کابل پیشنهاد آموزش نیروهای نظامی افغانستان را ارایه کرد. جنرال راحیل شریف گفته که همین اکنون طیف گسترده‌یی از نهادهای آموزشی پاکستان آماده آموزش نیروهای امنیتی افغانستان هستند. این نخستین بار نیست که پاکستان چنین پیشنهادی را ارایه می‌کند. این کشور سال گذشته و سال‌های قبل نیز چنین پیشنهادی را ارایه کرده بود. شماری از آگاهان نظامی می‌گویند، در گذشته نیز پاکستان چنین پیشنهادی داشته و حکومت افغانستان هم در پاسخ می‌خواست که شماری از نیروهای نظامی را جهت آموزش به پاکستان بفرستد؛ اما نظامیان افغانستان حاضر نشدند تا در پاکستان آموزش ببینند. به گفته آنان، افغانستان می‌هراسد سربازانی که برای آموزش‌های نظامی به پاکستان فرستاده می‌شوند، دوباره



به عاملان نفوذی استخبارات پاکستان درصوف ارتش افغانستان تبدیل نشوند و در برابر کشور و مردم‌شان قرار نگیرند، زیر اکنون صدها طالب از سوی مأموران استخبارات پاکستان آموزش می‌بینند و به منظور اجرای عملیات‌های هراس‌افگانه به افغانستان...

نواز شریف: برای اشرف غنی و عبدالله دعا می‌کنم!



نواز شریف نخست وزیر پاکستان پیش از شروع سفرش به برلین، از ابتکار رییس جمهور افغانستان برای گفت‌وگو با طالبان استقبال کرده است. او در عین زمان اتهام حمایت از شورشیان را رد کرده است. نخست وزیر پاکستان روز دو شنبه (۱۹ عقرب/ ۱۰ نوامبر) برای یک سفر سه روزه وارد برلین پایتخت آلمان می‌شود. او در این سفرش با مقام‌های آلمانی به شمول صدر اعظم انگلا مرکل در رابطه به مسایل اقتصادی و امنیتی گفت‌وگو می‌کند. یک مقام حکومت پاکستان گفت که موضوعات افراط‌گرایی، تروریسم و افغانستان نیز در این دیدار مورد بحث قرار می‌گیرند. نواز شریف پیش از شروع سفرش به روزنامه آلمانی «ویلت» گفت که از تلاش رییس جمهور اشرف غنی به گفت‌وگو با طالبان حمایت می‌کند: «رییس جمهور غنی مطمئناً در مورد فراخوان خود برای مذاکرات صلح به دقت تأمل کرده است».

ادامه صفحه ۷

داکتر عبدالله: توافق نامه باید کاملاً عملی شود



رییس اجرایی دولت وحدت ابراز امیدواری کرده است که توافق‌نامه دولت وحدت ملی به صورت همه‌جانبه عملی شود. داکتر عبدالله در دیدار با نماینده‌گان و بزرگان ولایت پنجشیر گفت: شما مردم باعزت...
ادامه صفحه ۷

در برگ‌ها



تاخیر در
معرفی کابینه
از دو نگاه
متفاوت



اقتصاد
مکتب
اتریشی



بامزه‌ترین
مرد مُرده
جهان!



داکتر عبدالله:
عاملان حمله
بر فرماندهی
پولیس کابل
دستگیر و محاکمه
شوند

حلیمه حسینی

تاخیر در معرفی کابینه از دو نگاه متفاوت



سخن ماندگار

هر چه زودتر

اپوزیسیون دولت وحدت ملی تشکیل شود

در نظام‌های دموکراتیک، اپوزیسیون در کنار دولت نقش برجسته و اساسی را در جهت ایجاد ثبات، عدالت اجتماعی و پُرکار ساختن دولت داشته و بر رشد سیاسی و اجتماعی جامعه تأثیر به‌سزایی گذاشته و می‌گذارد. در افغانستان نیز طی دوازده سال گذشته، در کنار حکومت، اپوزیسیون موجود بوده و توانسته بر عمل‌کردهای دولت تأثیر بگذارد و در نهایت در روند سیاسی کشور مشارکت کند؛ ولی در حکومت تازه روی کارآمده، مسأله تشکیل اپوزیسیون به گونه دیگری است.

به تاسی از اعلامیه مشترک ۱۷ اسد ۱۳۹۳ به‌هدف تقویه و توسعه دموکراسی، پُست رهبر برنده دوم [اپوزیسیون] بر اساس فرمان رییس‌جمهور توسط دولت جمهوری اسلامی افغانستان معرفی خواهد شد. صلاحیت‌ها، مسوولیت‌ها و اعتبار اپوزیسیون در فرمان ریاست‌جمهوری شرح داده خواهد شد. بعد از ایجاد دولت وحدت ملی در حضور برنده دومی، این تیم (اپوزیسیون) به‌حیث متحد دولت عمل خواهد کرد. طبق قرار فوق، اپوزیسیون دولت وحدت ملی در چوکات دولت به گونه رسمی، توسط ریاست اجرایی معرفی و اعلان می‌شود و این اپوزیسیون در چوکاتی که توسط ریاست اجرایی برایش طرح می‌شود، فعالیت خواهد کرد. حالا از تشکیل دولت وحدت ملی یک‌ونیم ماه می‌گذرد، اما هنوز خبری از ایجاد اپوزیسیون رسمی نیست و بیشتر دو طرف دولت وحدت ملی، مصروف چانه‌زنی‌ها بر سر تقسیم قدرتی هستند که هنوز در مورد آن اختلاف نظر وجود دارد. در جوامعی مثل افغانستان که امکان رفتن دولت‌ها به سوی تکروری و استبداد بعید به نظر نمی‌رسد، تشکیل اپوزیسیون در کنار دولت الزامی است، اما این بار اپوزیسیون افغانستان بر بنیاد توافقی که در توافق‌نامه سیاسی دولت وحدت ملی صورت یافته است، شکل اجرایی به‌خصوصی خواهد داشت؛ زیرا این اپوزیسیون در کنار دولت است و از نزدیک کارکردهای دولت را نظارت می‌کند و نیز در برخی تصمیم‌گیری‌ها مشارکت می‌ورزد. از این رو، بایستی به زودترین فرصت ممکن آقای عبدالله اپوزیسیون را تشکیل و رییس آن را به رییس‌جمهوری معرفی کند تا از موقف رسمی‌یی که در توافق‌نامه سیاسی آمده است، جایگاه اپوزیسیون مشخص شود و بازوی دیگری برای بهتر کار کردن دولت وحدت ملی و پاسداری از توافق سیاسی به میان آید. ولی با این حال شایسته است کسی این اپوزیسیون را رهبری کند که دارای فکر منظم اداری - سیاسی در امر دولت‌داری باشد.

ریاست اجرایی مسوولیت دارد که به‌هدف تطبیق مواد توافق‌نامه سیاسی، در هماهنگی با رییس‌جمهوری به تشکیل اپوزیسیون قدرت‌مند اقدام ورزد تا زمینه را برای ایجاد یک بستر مناسب به منظور نهادینه کردن دموکراسی مساعد گرداند.

اپوزیسیون دولت باید توسط اشخاصی مدیریت شود که در گذشته دارای یک برنامه منظم سیاسی به‌خاطر ایجاد دولت وحدت ملی بودند و شکل‌گیری دولت وحدت ملی نیز متأثر از اندیشه‌ها و برنامه‌های آنان بوده است؛ اندیشه‌ها و برنامه‌هایی که با حمایت جامعه جهانی در قالبی متفاوت‌تر عرض وجود کرده است.

شخصیت‌هایی که کنفرانس آجندای ملی را بنیان گذاشتند و طرح دولت وحدت ملی را ریختند و زمینه را برای شکل‌گیری دولت وحدت ملی مساعد کردند و در حکومت هم شریک نبودند و نیستند؛ باید از موقف اپوزیسیون رسمی وارد معادله شوند تا بازوی دیگری برای استحکام‌بخشی به دولت وحدت ملی و تضمینی برای تطبیق توافق‌نامه سیاسی گردند.

مسئله نهاد اپوزیسیون باید توانایی ارائه طرح‌های اصلاحی برای دولت وحدت ملی را داشته باشد و نیز مرجعی قابل اعتماد برای مردم در کنار دولت باشد. ایجاد یک اپوزیسیون که در رأس آن شخصی امانت‌دار و دلسوز و کاردار قرار داشته باشد، می‌تواند روند دموکراسی در افغانستان را بار دیگر زنده کند و اهمیت مبارزات سیاسی را بالا برده و قاعده‌مند سازد، و این به نفع همه طرف‌های دولت وحدت ملی در کشور است.

شایسته ممکن این کار را با تاخیر مواجه ساخته است و اگر به زمزمه‌های رادیکالی که خبر شکست و گسست این توافق‌ها را به گوش می‌رسانند، توجه کنیم و معیار قضاوت قرارش دهیم، این تاخیر را نشانه شومی از عدم توافق همه جانبه در تقسیم قدرت می‌توان دید. که نگاه اول امید بخش است و می‌تواند نشان از این داشته باشد که شایسته سالاری در بطن دولت وحدت ملی اگر کارها را بطی کرده است اما در نهایت توافقی که در معرفی کابینه شکل خواهد گرفت با تامل و دوراندیشی بیشتر ضمانت موفقیت بیشتری را در پی خواهد داشت. اما با نگاه دوم، سست شدن پایه‌های دولت وحدت ملی نوید تلخ شکست توافقی را می‌دهد که فصل تازه‌ای از امیدها در گرو موفقیت و قوام آن است. اگر از همین نخستین روزها و نخستین حرکت‌ها و قدم‌ها، گردانندگان این گردونه نتوانند وحدت و همدلی را حفظ کنند، هرگز نخواهند توانست اقتدار و مشروعیتی را که حکومت برای ادامه کار به آن نیازمند است را فراهم آورند. و این وحدت و همدلی حفظ نخواهد شد، مگر این که طرفین به تمام تعهداتی که در توافق سیاسی که به امضا رسانده‌اند، صادقانه پایبند باشند و اجازه ندهند که تفاوت سلیقه‌ها فرصتی را برای دشمنان صلح و ثبات این وطن به وجود آورد که موفقیت فرمول جدید حکومت داری در افغانستان را به خطر اندازند و یک بار دیگر مجبور شویم به جای راه حل‌های قانونی و سیاسی شاهد راه حل‌های غیر قانونی و غیر دموکراتیکی باشیم که خشونت و جنگ و خونریزی را به دنبال دارد و مردم ما هرگز خواستار بازگشت به چنین وضعیت رقت‌انگیزی نیستند.

مکانیسم‌های حقوقی و قانونی به تعریف این جایگاه‌ها پرداخته و این جاست که بحث تعدیل قانون اساسی از همان ابتدا یکی از ضرورت‌های اجرایی شدن این توافق سیاسی و تشکیل دولت وحدت ملی بوده است. این روزها صحبت از شکننده بودن این توافق و یا نادیده گرفته شدن آن و عدم توجه و دقت کامل و دقیق به آن است. که این خود زمزمه خطرناک است و تمام کسانی که برای عدم اجرای دقیق آن، چالش‌های قانونی را مطرح می‌کنند باید به این نکته توجه داشته باشند که باید ضرورت و فلسفه تشکیل دولت وحدت ملی را مرور کنند و ببینند که چرا و در چه فضایی این توافق سیاسی شکل گرفت و آیا این توافق سیاسی برای شکستن و نادیده گرفته شدن بسته شده است یا این که قرار است به عنوان یک سند پایه و مادر برای شکل گرفتن حکومت، کابینه و تقسیم قدرت مورد توجه باشد. از این رو به نظر می‌رسد با این که چند هفته‌ای از تشکیل دولت وحدت ملی می‌گذرد اما از معرفی کابینه خبری نیست، زمزمه‌هایی از مشکلاتی را به گوش می‌رساند که در معرفی وزرا ممکن میان طرفینی به وجود آمده باشد که توافق کردند که دولت وحدت ملی را با شرایطی که هر دو پذیرفته‌اند تشکیل دهند و در این توافق کم و کیف معرفی وزرا نیز مشخص و معلوم است. پس مشکل چه می‌تواند باشد؟ یا حتی می‌توان این گونه نگاه کرد که اصلاً مشکلی در میان نیست. این تاخیر‌ها را می‌توان از زوایا و دیدگاه‌های متفاوت مورد ارزیابی قرار داد. اگر خوش بینانه به قضیه به تاخیر افتادن معرفی کابینه بنگریم، می‌توانیم این گونه برداشت کنیم که رسیدن به توافق بر روی نامزد وزیرهای

اهمیت توافق سیاسی که میان دو نامزد صورت گرفت تا از رفتن افغانستان به یک بحران سیاسی رهایی حاصل شود تا آن جا است که توانست جانشین روند قانونی شود که باید طبق آن عمل می‌شد. اما به علت ناکارآمد شدن انتخاباتی که باید اساس قانونی دولت جدید می‌شد و مشروعیت بخش حکومت نوپا، این توافق توانست فصل تازه‌ای را در سیاست افغانستان ایجاد کند. این فصل تازه که امیدواری‌های زیادی را ایجاد کرده است و حتی توانسته به گونه‌ای در محراق توجه کشورها و ملت‌هایی قرار بگیرد که مشکلاتی مشابه مشکلات و چالش‌های سیاسی افغانستان داشته‌اند، این روزها دچار التهاب و تنش‌هایی شده است که اگر به درستی مدیریت نشود، وضعیت افغانستان بغرنج‌تر شده و ممکن دردهای گذشته یک بار دیگر گریبان گیر ملت ما شود. توافق سیاسی‌ای که توانست راه حل بن بست سیاسی کشور شود در حکم سندی است که توانسته است پایه مشروعیت قانونی حکومت فعلی را تأمین کند، در نتیجه اگر این سند در مرحله تطبیق با هر کدام از قوانین کشور در تضاد یا اصطحکاک قرار بگیرد، نمی‌توان عدم توافق با قانون حتی اساسی کشور را بهانه‌ای قرار داد برای به تعویق انداختن و یا نادیده گرفتن هر کدام از بندهای این توافق سیاسی. بلکه باید این نکته محوری را مورد توجه قرار داد که تمام تلاش باید صورت بگیرد که این توافق‌نامه سیاسی با شفافیت و دقت هر چه تمام‌تر اجرا شود و اجرایی شدن بدون جنجال و بی‌کم و کاست آن، محک حکومت داری خوب برای حفظ بقا و دوام دولت وحدت ملی خواهد بود. هر جا که اصطحکاک‌های است و یا جایگاه قانونی تعریف شده‌ای برای اجرای این توافق نیاز است باید با

رییس زندان گوانتانامو:

تعطیل گوانتانامو تا ۲۰۱۶ امید واهی است



رییس زندان نظامی گوانتانامو گفت، شانس بسیار اندکی وجود دارد که تا اواسط سال ۲۰۱۶ که وی در این پست قرار دارد، این زندان تعطیل شود. به گزارش پایگاه اینترنتی راشاتودی، دگروال «دیوید هیت»، رییس زندان نظامی گوانتانامو به خبرنگاران گفت: فکر می‌کنم تعطیل شدن این زندان تا سال ۲۰۱۶ میلادی یک «امید واهی» است. تا زمانی که به من گفته شود این زندان را تعطیل و یا در سال ۲۰۱۶ میلادی آن را ترک کنم، تا جایی که بتوانم به بهترین نحو آن را اداره خواهم کرد. من هیچ نظری درباره اینکه آیا این زندان باید تعطیل شود یا خیر، ندارم. وی افزود: با این حال زمانی که باراک اوباما، رییس جمهوری آمریکا بخواهد که این زندان را تعطیل کند و هنگامی که زمانش فرا رسد، دستورات را اجرا خواهم کرد. به تعویق افتادن تعطیلی زندان گوانتانامو سال‌هاست که یکی از مسائل مناقشه‌آمیز محسوب می‌شود چراکه این مساله اصلی‌ترین نقش را در تعهدات مبارزات انتخاباتی اوباما در سال ۲۰۰۸ میلادی ایفا کرد. اما در این چند سال اقدامات بسیار اندکی برای اجرای این سیاست صورت گرفته است.

در حال حاضر ۱۴۸ زندانی در گوانتانامو وجود دارد و اکثر آنها بدون محاکمه یا اتهامی در این زندان مانده‌اند. با این وجود دیوید هیت معتقد است که بسیاری از این زندانیان دشمنان آمریکا هستند. دگروال هیت همچنین جزئیاتی را درباره زندگی روزانه در زندان گوانتانامو افشا کرده و گفت: این زندان از نظر نگهداری زندانیان بسیار منحصر به فرد است. در کمپ شماره پنج و هفت زندانیان از گروه‌ها و طبقات مختلف نگهداری می‌شوند و تنها تعدادی از آنها زندانیان «برجسته» هستند که به صورت انفرادی نگهداری می‌شوند و در میان آنها پنج زندانی وجود دارد که متهم به سازماندهی حملات تروریستی ۱۱ سپتامبر سال ۲۰۰۱ میلادی هستند. وی همچنین درباره رفتارهایی که زندانیان با نگهبانان زندان انجام می‌دهند، گفت: زندانیان به روی نگهبانان ادرار و مدفوع می‌پاشند و در چند ماه گذشته این مساله شاید روزی یکبار صورت گرفته است. اخیراً رسوایی غذا خوردن اجباری به زندانیانی که دست به اعتصاب غذا زده‌اند، باعث شد تا این پرونده به دادگاه فدرال آمریکا ارجاع شود و چند فیلم به صورت آنلاین منتشر شد که این روند مناقشه‌آمیز را نشان می‌داد. در سال ۲۰۱۳ میلادی بیش از ۱۰۰ زندانی به خاطر بازداشت بدون محاکمه یا اتهامشان دست به اعتصاب غذا زدند. در پی آن بسیاری از مقامات ارشد خواستار تعطیلی زندان گوانتانامو شده‌اند.

گروه عفو بین‌الملل زندان گوانتانامو را به عنوان سمبل بی‌عدالتی و سوءاستفاده در سیاست جنگ علیه ترور دولت آمریکا توصیف کرده و اعلام کرده، این زندان باید تعطیل شود.

بان کی مون، دبیر کل سازمان ملل گفت: معتقدم که زندان گوانتانامو باید تعطیل شود. باید یادآور شوم که جورج بوش، رییس جمهوری پیشین آمریکا نیز به شخصه خواستار تعطیلی این زندان شده است. آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان گفت: زندانی همچون گوانتانامو نمی‌تواند و نباید مدت طولانی وجود داشته باشد.

کاتلونیاها خواهان استقلال شدند!



۷۲ / ۸۰ درصد از ساکنان کاتلونیا به فراندوم نمادین استقلال از اسپانیا «آری» گفتند. به گزارش شبکه خبری راشاتودی، خوانا اورتگا، معاون رییس دولت منطقه‌ی کاتلونیا کمی پس از نیمه شب اعلام کرد که دو میلیون تن از ساکنان این منطقه در فراندوم غیر رسمی استقلال از اسپانیا شرکت کردند و نتایج نشان می‌دهد که ۷۲ / ۸۰ درصد به این فراندوم آری گفتند.

سوالاتی که در این فراندوم غیر رسمی و نمادین مطرح شده بود شامل این دو مورد می‌شد: «آیا می‌خواهید کاتلونیا یک کشور شود» و «آیا می‌خواهید کاتلونیا یک کشور مستقل شود؟» همچنین تعداد آراء سفیدی که ساکنان کاتلونیا به صندوق‌های فراندوم انداختند ۵۶ / ۰ درصد اعلام شده و تاکنون ۴۴ / ۸۸ آراء نیز شمارش شده است.

آرتور ماس، رییس دولت منطقه کاتلونیا نیز این فراندوم استقلال نمادین را یک موفقیت کامل خواند که بیش از دو میلیون تن از ساکنان این منطقه در آن شرکت کردند. وی پس از این رای گیری در بارسلونا گفت: اجازه بدهید که این مساله را فراموش نکنیم که کاتلونیا یک بار دیگر نشان داد که زمام امور خود را در دست دارد و این یک گام بزرگ در تمایلات مشروع ما برای تصمیم‌گیری‌های آزادانه و صلح آمیز درباره آینده منطقه محسوب می‌شود.

دولت اسپانیا: فراندوم کاتلونیا بیهوده است
دولت اسپانیا اعلام کرد که اقدام کاتلونیا برای برگزاری فراندوم نمادین استقلال بیهوده و خلاف اصول دموکراتیک است.

به گزارش خبرگزاری شینهوا، دولت اسپانیا اعلام کرد، رفتار آرتور ماس، رهبر جدایی طلبان کاتلونیا باعث پیچیده‌تر شدن وضعیت می‌شود.

دولت اسپانیا با اشاره به فراندوم نمادین اخیر در مورد استقلال کاتلونیا از دولت مرکزی مادرید اعلام کرد که این فراندوم نمادین صحیح نیست و مزیت سیاسی خاصی برای رهبران دولت کاتلونیا به دنبال نخواهد داشت. گرچه دولت اسپانیا انتخابات در منطقه کاتلونیا را ممنوع کرده بود، بسیاری از مردم این منطقه در انتخابات نمادینی در باره استقلال از اسپانیا شرکت کردند.

مردم منطقه کاتلونیا اسپانیا روز یکشنبه به پای صندوق‌های رای رفتند و در رابطه با جدایی منطقه‌شان از اسپانیا نظر دادند. گرچه این انتخابات از نظر قانونی لازم‌الاجرا نخواهد بود، اما نشانی است از خواست مردم این منطقه

برای جدایی از دولت مرکزی. دست‌کم دو میلیون نفر از مردم این منطقه که در شمال شرق اسپانیا واقع است، رای خود را به صندوق‌ها ریختند. در برگه‌های انتخاباتی دو پرسش مطرح شده بودند. پرسش نخستین: می‌خواهید کاتلونیا به یک کشور تبدیل شود؟ و پرسش دوم: آیا این کشور باید غیروابسته باشد؟

ماریانو راخوی، نخست‌وزیر اسپانیا در این باره اعلام کرد که این رای‌گیری به علت مخالفت با قانون اساسی تأثیر عملی ندارد و ادامه داد: تا زمانی که من رئیس دولت هستم، قانون اساسی رعایت خواهد شد. هیچ کس وحدت اسپانیا را نباید بشکند.

دادگاه قانونی اساسی اسپانیا پیش از این طی حکمی برگزاری رسمی همه‌پرسی استقلال کاتلونیا را غیرقانونی دانسته بود.

خالد مشعل:

تمام اعراب و مسلمانان برای آزادی مسجد الاقصی وارد عمل شوند



رییس دفتر سیاسی جنبش حماس ضمن درخواست از امت اسلام برای عمل به مسوولیت‌های خود در قبال مسجد الاقصی تصریح کرد: آزادی مسجد الاقصی جنگ عرب و تمامی مسلمانان است.

خالد مشعل، رییس دفتر سیاسی جنبش حماس در گفت‌وگو با روزنامه الشرق قطر نسبت به هرگونه تلاش برای لطمه زدن به مقاومت در جنگ علیه شهرک سازی‌ها و مقابله با اقدامات اسرائیل و برنامه‌های آن برای یهودی سازی مسجد الاقصی و لطمه زدن به مقدسات فلسطینی‌ها هشدار داد و گفت: این تلاش‌ها اشتباه است و هیچ‌گاه به هدف نخواهد رسید. وی تأکید کرد: اشغالگران اسرائیلی تاکتیک‌هایی را در قبال مسجد الاقصی در پیش گرفته که کمترین واکنش از سوی فلسطینی‌ها و جهان عرب و اسلام را به دنبال داشته باشد.

مشعل تصریح کرد: اکنون زمان آن فرا رسیده تا جهان خشم این ملت را برای پیروزی مسجد الاقصی بشنود و هدف قرار دادن مقدسات توسط اسرائیل توجیه کافی برای مقاومت است. وی عنوان داشت: ناکام گذاشتن برنامه‌های یهودی سازی مسجد الاقصی با مقاومت

مرکل در مراسم فروپاشی

دیوار برلین، روسیه را هدف قرار داد!

صدراعظم آلمان از بیست و پنجمین سالگرد سقوط دیوار برلین که به حکومت شوروی پایان داد، برای بیان «شجاعت» آن دسته از افرادی استفاده کرد که در مقابل «سرکوبگری روسیه در اوکراین» مقاومت می‌کنند. به گزارش خبرگزاری اسوشیتد پرس، اظهارنظرهای غیر معمول آنگلا مرکل، صدراعظم آلمان درباره دیوار برلین پس از هشدار میخائیل گورباچف، آخرین رهبر شوروی سابق درباره احتمال بروز یک جنگ سرد دیگر مطرح شد.

مرکل در ادامه گفت: ما می‌توانیم اوضاع را به وضعیت قبل تغییر دهیم و این پیام برگرفته از سقوط دیوار برلین است. این درخواستها برای مردم در اوکراین، سوریه و عراق و بسیاری دیگر از کشورها در جهان است؛ جایی که آزادی و حقوق بشر تهدید می‌شود. این پیامی از اعتماد به توانایی‌ها و ظرفیت‌های ما برای فرونشاندن و از میان بردن دیوارهای استبدادی امروزی و حتی در آینده است؛ دیوارهای دیکتاتوری، خشونت، ایدئولوژی و خصومت. سقوط دیوار برلین به ما نشان داده که آرزوهایمان می‌توانند به حقیقت پیوندند.

در همین حال، دیوید کامرون، نخست وزیر انگلیس نیز در پیامی به ارزش‌ها و آزادی‌های ناشی از سقوط دیوار برلین اشاره کرد و شجاعت و جسارت مردم آلمان را در آن زمان ستود و گفت: ما بار دیگر بر عقیده‌مان مبنی بر احترام گذاشتن به مرزها و یکپارچگی تمام کشورها در اروپا تکیه می‌کنیم.



25. JAHRE MAUERFALL

بخش نخست

ویژه گویک مرد واقع برای ازدواج



مرد واقعی، همان مردی است که وقتی دیگران به او نگاه می‌کنند، انگیزه می‌گیرند و خیلی وقت‌ها هم نگاه‌شان به او با کمی حسادت همراه است. او همان مردی است که خانم‌ها به دنبالش هستند. این مرد بدون این‌که بخواهد، در هر جمعی در مرکز توجه قرار دارد.

در نوشته زیر به ۲۵ خصوصیتی که باعث می‌شود به یک مرد، عنوان «مرد واقعی» داده شود، اشاره می‌گردد.

۱- پشتکار دارد

هیچ وقت تا پیروزی دست از کار نمی‌کشد. همان مردی است که تا نفس آخر در برابر مشکلات ایستاده‌گی می‌کند.

۲- می‌تواند از خود و خانواده‌اش دفاع کند

مرد واقعی، ایثارگر و مهربان است. او برای کسانی که دوست‌شان دارد، بهترین پشتیبان و یاری‌رسان بوده و از هیچ تلاشی برای حمایت از آن‌ها دریغ نمی‌کند.

۳- در بهترین فرم و اندام قرار دارد

قوی و ورزشکار است و برای جنس مخالف، بسیار جذاب.

۴- مرد واقعی شجاع است

نه این‌که هیچ ترسی ندارد؛ ترس دارد ولی آن را پذیرفته است و در هر موقعیتی با آن روبه‌رو می‌شود.

۵- مرد واقعی می‌تواند سرگرم‌کننده باشد

شوخ طبع است و همیشه آدم‌های زیادی را با بذله‌گویی‌هایش دور خود جمع می‌کند.

۶- مرد واقعی داستان‌های زیادی برای تعریف کردن دارد

او زنده‌گی بسیار متفاوت داشته است و دارد. اشتباهاتی مرتکب شده، اما توانایی این را دارد که اشتباهاتش را به شوخی تعریف کند. ماجراجویی‌هایی داشته است که هر کسی دوست دارد در مورد آن بشنود.

۷- مرد واقعی می‌تواند به خودش بخندد

این یکی از لازمه‌های مرد واقعی است. شما هیچ وقت نمی‌توانید مرد واقعی را مسخره کنید، چون خودش هم به ما ملحق خواهد شد. هیچ‌کس نمی‌تواند بهتر از خودش، خودش را مسخره کند.

۸- مرد واقعی متواضع است

بخشی از این به‌خاطر توانایی او برای خندیدن به خودش می‌آید. به هر پیروزی که دست پیدا کند، هیچ وقت از خودش در نمی‌آید و اگر هم این اتفاق بیفتد، می‌تواند دوباره مثل قبل خاکی شود.

۹- مرد واقعی تحصیل کرده است

پیش‌نیاز آن مدرک تحصیلی نیست، بلکه عطش یادگیری است. او دوست دارد یاد بگیرد و این کار را می‌کند. این به او کمک می‌کند بتواند با افراد از هر وضعیت و موقعیت اجتماعی و اقتصادی ارتباط برقرار کند. خیلی راحت و هوش‌مندانه می‌تواند با تاجران بزرگ و مبلغین مذهبی رابطه داشته باشد.

۱۰- مرد واقعی، مرد مردهاست

مردی است که دوست نداشتن او بسیار سخت است. سرسخت و اکثر اوقات ساکت است، اما می‌تواند هر لحظه زیر خنده زده و لطفه‌یی تعریف کند.

بخش سوم

اقتصاد مکتب اتریشی

احمد سیف

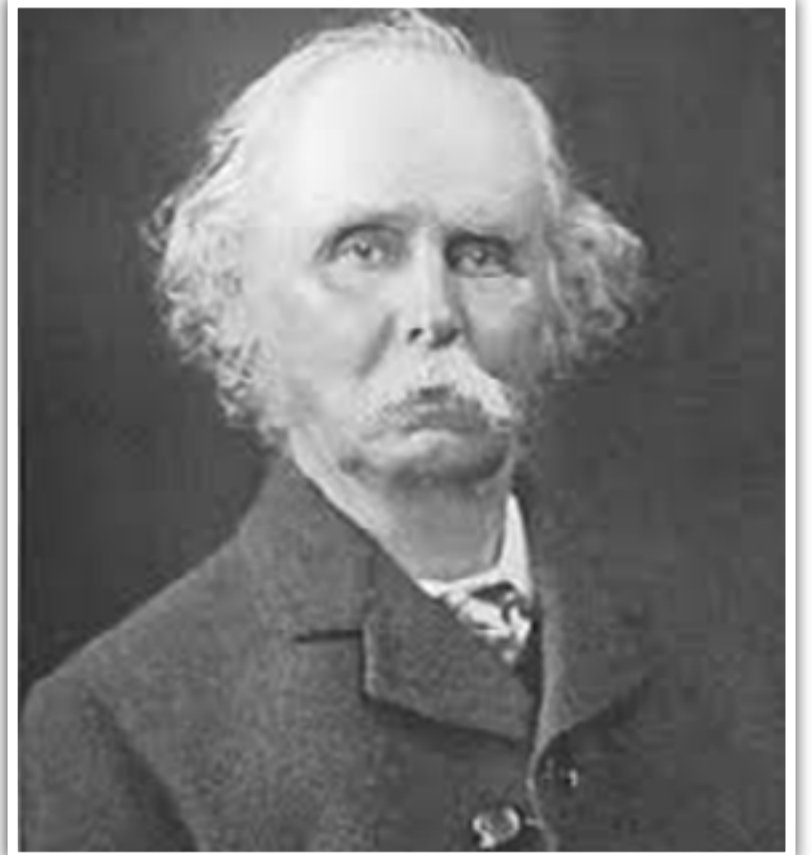
۶- نگرش سوپروکتیو - ذهنی

فاکت - واقعیت - در علوم اجتماعی، فقط آن چیزهایی است که افراد باور دارند و می‌اندیشند. برخلاف علوم طبیعی، علوم انسانی با اهداف و طرح‌های فردی شروع می‌شود. در علوم انسانی، «واقعیت» جهانی همانی است که بازیگران می‌گویند و به آن باور دارند. تعریفی که فرد از یک شیء به دست می‌دهد و تعبیری که هر فرد از قواعد بازی، از مکان و از افراد دارد، نشان می‌دهد که در فرایند تصمیم‌گیری چه‌گونه تصمیم خواهند گرفت. هدف علوم انسانی پیش‌نگری نیست، بلکه قابل فهم کردن آن چیزهایی است که اتفاق می‌افتد. تا جایی که من فهمیده‌ام، از نظر مکتب اتریشی، تفاوت مهمی بین اقتصاد و علوم طبیعی وجود دارد. در علوم طبیعی - برای مثال شیمی - بشر به دنبال یافتن رابطه‌های تکراری است. برای نمونه، اگر درجه

لازم است، مطلوبیت ذهنی و هزینه که عینی است تعیین‌کننده قیمت‌اند. ولی از نگاه اقتصاددانان مکتب اتریش، هزینه هم ذهنی است چون آن‌چه تعیین‌کننده هزینه است در واقع هزینه فرصت است؛ یعنی با استفاده از منابع کمیاب در یک مورد خاص چه فرصت‌هایی در استفاده از همان منابع از دست می‌رود. تأکید بر انتخاب‌های بدیل، به مقوله هزینه فرصت معنی می‌بخشد. هزینه هر فعالیت انسانی، بارزترین بدیلی است که با مشارکت فرد در آن فعالیت از دست می‌رود. چون این بدیل‌ها صورت واقعیت ندارد - یعنی هنوز اتفاق نیفتاده است - آن‌چه فرد انجام می‌دهد مقایسه منافع احتمالی دو فعالیت متفاوت در ذهن اوست.

۸- نظام قیمت‌ها و اطلاعات

نظام قیمت‌ها اطلاعاتی را که افراد برای تصمیم‌گیری لازم دارند، فراهم می‌کند. قیمت یک کالا، فرم خلاصه‌شده شرایط



مبادله در بازار است. نظام بازار به شرکت‌کننده‌گان در بازار این اطلاعات را منتقل می‌کند و آن‌ها منافع خود را در مبادله می‌بینند. آن‌چه برای فرد مهم است این است که وقتی قیمت کالای خاصی در بازار بالا می‌رود، برای عاملان اقتصادی اهمیت ندارد بدانند علت افزایش قیمت، مازاد تقاضاست یا کمبود عرضه. به هر حال، بالا رفتن قیمت آن کالا موجب می‌شود افراد در مصرف آن صرفه‌جویی کنند.

۹- مالکیت خصوصی

مالکیت خصوصی عوامل تولید، شرط ضروری برای عقلانیت اقتصادی است. از نظر اقتصاددانان مکتب اتریشی، مالکیت خصوصی عوامل تولید برای تخصیص بهینه منابع کمیاب، انگیزه‌های لازم را فراهم می‌کند. هم‌چنین بر این باورند که در نبود مالکیت خصوصی، عوامل تولید بازاری هم برای این عوامل شکل نمی‌گیرد و در نتیجه، قیمت آن‌ها هم نامشخص می‌ماند و چون قیمت قرار است بازتاب فراوانی یا کم‌یابی منابع باشد، در آن صورت طرح‌ریزان دولتی - در نبود مالکیت خصوصی عوامل تولید - نمی‌توانند به بهترین شیوه از این منابع در تولید استفاده کنند.

۱۰- بازار رقابتی
بازار رقابتی، فرایندی است که کارآفرینان در نتیجه آن می‌آموزند. در این‌جا باید بین دو مفهوم از رقابت تفکیک قایل شد. یکی مفهومی است که اقتصاددانان نیوکلاسیک از آن بهره می‌گیرند که مفهومی ایستاست و از یک موقعیت ساکن سخن گفته می‌شود و دوم مفهومی پویا از رقابت است که آدم اسمیت به‌کار برد. آن‌چه مورد نظر اقتصاددانان مکتب اتریش است، این مفهوم پویا از رقابت است. در این‌جا رقابت در برگیرنده نوعی فعالیت است. به ادعای اقتصاددانان مکتب اتریش در رقابت به صورت یک حالت ایستا صاحبان کسب‌وکار نقشی ندارند، ولی در رقابت پویا صاحبان کسب‌وکار نقش برجسته‌یی دارند و عامل تغییر هستند، به طوری که با فعالیت جمعی خود جهت بازار را تغییر می‌دهند. یک صاحب کسب‌وکار از فرصت‌های ناشناخته برای بهره‌مندی استفاده می‌کند و به خاطر همین هم سود به دست می‌آورد. یادگیری دوسویه از کشف منافع ناشی از مبادله، نظام بازار را به سوی بهینه‌ترین شیوه استفاده از منابع رهنمون می‌شود. از سوی دیگر، انگیزه سود مشوق کارآفرینان در بدعت و نوآوری است که باعث رشد ظرفیت تولیدی می‌شود. کارآفرینی که فرصتی را امروز کشف می‌کند، به‌واقع سود خود را در فردا تضمین کرده است. نظام قیمت‌ها و نظام بازار آزاد، وسایل مؤثری برای یادگیری هستند و افراد به این وسیله می‌آموزند چه‌گونه از منابع محدود بهتر استفاده کنند.

۱۱- پول و نقش آن در اقتصاد

در مکتب اتریشی، پول خنثا نیست. پول وسیله مبادله مورد قبول همه‌گان است. اگر سیاست دولت واحد پولی را مخدوش کند، مبادله هم مخدوش می‌شود. هدف سیاست‌های پولی به حداقل رساندن مواردی است که مبادله مخدوش می‌شود. هر افزایشی در عرضه پول اگر با افزایش برابر در تقاضا برای پول خنثا نشود، باعث بالارفتن قیمت‌ها خواهد شد. ولی در سرتاسر اقتصاد قیمت‌ها در یک آن تعدیل نمی‌شوند. بعضی تعدیل‌ها سریع‌تر انجام می‌گیرد - یعنی قیمت‌های نسبی تغییر می‌کند. و این تغییرات هم بر اشکال مبادله و تولید اثر می‌گذارد. پس پول نمی‌تواند در اقتصاد خنثا باشد.

۱۲- تولید و مدیریت آن در اقتصاد

تولید همیشه برای تقاضای ناشناخته در آینده است و فرایند پیچیده تولید، سرمایه‌گذاری در مراحل مختلف تولید را ضروری می‌سازد. ارزش هر آن‌چه در این مراحل تولید می‌شود، وابسته و پیوسته به ارزشی است که کالای نهایی از نظر مصرف‌کننده داراست. تولید که اغلب مراحل متعدد دارد، باعث تداخل کالاهای متفاوتی می‌شود که در کلیت خود فرایند آن کالای نهایی را می‌سازد. نکته‌یی که در این‌جا اهمیت دارد، تفاوت فرایندهای مختلف تولید و اختلاف موجود بین ماشین‌آلات و کالاهای سرمایه با یکدیگر است. کارخانه‌یی که موتر تولید می‌کند، نمی‌تواند یک‌باره با توجه به آن‌چه در بازار اتفاق می‌افتد، کامپیوتر تولید کند. صاحبان کسب‌وکار بر اساس قیمت‌های نسبی تصمیم می‌گیرند، در کدام فرایند سرمایه‌گذاری کنند. برای این منظور لازم است قیمت‌ها مخدوش نباشد. قیمت‌های مخدوش علامت نادرست می‌دهند و اگرچه اشتباهات درگذر زمان اصلاح می‌شود، ولی منابع به هدر می‌روند.

حرارت یک گاز را بیش‌تر کنید، حجم گاز بیش‌تر می‌شود و وقتی این کار را تکرار کرده‌اید و به همین پیوسته‌گی رسیده‌اید، به یک قانون علمی دست می‌یابید. هرگاه درجه حرارت یک گاز افزایش یابد، حجمش افزایش می‌یابد. بر اساس این قانون می‌توانید پیش‌بینی کنید که هرچا که درجه حرارت آن گاز مشخص بیشتر شود، حجمش افزایش می‌یابد. از نگاه مکتب اتریش در اقتصاد چنین قوانینی وجود ندارد، چون انتخاب فردی اساس کار اقتصاد است و افراد بر اساس باورهای متفاوت انتخاب می‌کنند و در نتیجه، نه آن تکرار امکان‌پذیر است و نه رسیدن به قانونی که در همه‌جا صادق باشد.

۷- هزینه و مطلوبیت، هر دو مقوله‌هایی ذهنی‌اند

مطلوبیت و هزینه، مفاهیمی ذهنی‌اند. همه پدیده‌های اقتصادی از مغز بشر می‌گذرند. از ۱۸۷۰ به این‌سو اقتصاددانان مکتب اصلی پذیرفتند که ارزش مقوله‌یی ذهنی است ولی به‌خصوص پس از آلفرد مارشال بسیاری بر این عقیده بودند که هزینه را شرط عینی زنده‌گی اقتصادی معین می‌کند. مارشال اعتقاد داشت همان‌گونه که دو تیغه قیچی برای بریدن یک کاغذ



بامزه‌ترین مردِ مُرده جهان!

گردآوری و ترجمه: رضا حسینی

وقتی اسم رابین ویلیامز می‌آید، بلافاصله به یاد چهرهٔ بشاش و لبخند دل‌نشینش می‌افتیم و تصویر مردی آرام و مهربان در ذهن مان نقش می‌بندد. اما زمانی که دوباره کارنامهٔ بازیگری او را مرور می‌کنیم، می‌بینیم که در قالب نقش‌های متنوع و حتا دور از ذهنی - مثل شخصیت‌های بی‌ثبات یا دارای پتانسیل خشونت - در فیلم‌های عکس یک‌ساعته (مارک رومانک) و بی‌خوابی (کریستوفر نولان) هر دو محصول ۲۰۰۲ بازی کرده و درخشیده است.

رابین مک‌لورین ویلیامز ۲۱ جولای ۱۹۵۱ در شیکاگو متولد شد. او که یک بازیگر آمریکایی، کمدین بذله‌گو (stand-up comedian)، صدایشه، تهیه‌کننده و فیلم‌نامه‌نویس بود، با نقش بیگانه‌یی با نام مورک در مجموعهٔ تلویزیونی مورک و مایندی (۸۲-۱۹۷۸) به شهرت رسید. او کارنامهٔ موفق و درخور تأملی از خود به‌جا گذاشت که برخی از تحسین‌شده‌ترین فیلم‌های آن عبارت‌اند از: دنیا از نگاه گارپ (۱۹۸۲)، صبح‌بخیر ویتنام (۱۹۸۷)، انجمن شاعران مرده (۱۹۸۹)، بیداری‌ها (۱۹۹۰)، سلطان ماهی‌گیر (۱۹۹۱)، ویل هانتینگ خوب (۱۹۹۷)؛ و این فیلم‌های پُر فروش: هوک (۱۹۹۱)، علاء‌الدین (۱۹۹۲)، خانم دات‌فایر (۱۹۹۳)، جومانچی (۱۹۹۵)، قفس پرنده (۱۹۹۶)، شب در موزیم (۲۰۰۶) و پای‌کوبی (۲۰۰۶).

او در دوران فعالیت‌هایش سه بار نامزد جایزهٔ اسکار شد و یک بار برای نقش درخشانش در ویل هانتینگ خوب، تندیس طلایی را به خانه برد. علاوه بر این، رابین ویلیامز دو جایزهٔ امی، چهار گلدن گلوب، دو جایزه از انجمن بازیگران سینما و پنج جایزهٔ گرمی دریافت کرد. او دوشنبه یازدهم اوت ۲۰۱۴ (بیستم مرداد ۱۳۹۳) در خانه‌اش در مارین کانتی، کالیفرنیا

درگذشت. پزشک قانونی منطقه، علت محتمل مرگش را خفه‌گی گزارش کرده است.

نکته‌هایی از زندگی و فعالیت‌هایش

در ماه اکتوبر سال ۱۹۹۷ در رتبهٔ ۶۳ از فهرست «صد ستارهٔ برتر تاریخ سینما» مجلهٔ «امپایر» قرار گرفت. البته همان سال نشریهٔ «انترتینمنت ویکلی» او را به عنوان «بامزه‌ترین مرد زندهٔ جهان» انتخاب کرد.

مدت کوتاهی در جولیارد (مدرسهٔ هنرهای بازیگری در نیویارک که شهرت جهانی دارد) زیر نظر جان هاوسمن (تهیه‌کننده، بازیگر، فیلم‌نامه‌نویس و نویسندهٔ رومانیایی که بعد از مشاجرهٔ معروفش با اورسن ولز سر اعتبار نویسنده‌گی همشهری کین، با امثال ماکس اوفولس، وینست مینلی، نیکلاس ری و جان فرانکن‌هایمر همکاری کرد) به تحصیل در رشتهٔ بازیگری پرداخت. هاوسمن به او گفت که این‌جا استعدادش را تلف می‌کند و باید هرچه زودتر کارش را به عنوان یک کمدین بذله‌گو آغاز کند.

ویلیامز در مدرسهٔ جولیارد بود که با کریستوفر ریو (بازیگر نقش سوپرمن در نسخهٔ ۱۹۷۸) دوست صمیمی شد، و دوستی‌شان تا زمان مرگ ریو در سال ۲۰۰۴ ادامه یافت. او یک هفته بعد از حادثهٔ اسب‌سواری تراژیک ریو، برای ملاقات به بیمارستان رفت. اما لباس و ماسک جراحان را به تن کرد و شروع به صحبت کردن با لهجهٔ روسی کرد. او مثل یک داکتر واقعی رفتار کرد، اما دست به مسخره‌بازی‌های عجیبی زد. ریو پس از این‌که ویلیامز ماسکش را برداشت، گفت: «این اولین دفعه‌یی است که پس از حادثهٔ هفته پیش می‌خندم!»

بعد از این‌که در سال ۲۰۰۴ جایزهٔ سیسیل بی. دمیل را در گلدن گلوب برد، آن را به دوستِ خوبش کریستوفر ریو تقدیم کرد.

روی بلندگو گذاشت تا ویلیامز بتواند برای بازیگران و عوامل فلمش جوک تعریف کند و حال‌وهوای آن‌ها را تغییر بدهد. ویلیامز اغلب از شخصیتش در کارتون علاء‌الدین بهره می‌برد.

در سپتمبر ۲۰۰۶ با سلامت کامل از مرکز توان‌بخشی درمان اعتیاد به الکل مرخص شد. او پیش از این در دههٔ ۱۹۸۰ هم یک بار بر اعتیادش به مواد مخدر و الکل غلبه کرده بود.

در ماه مارچ ۲۰۰۹ با موفقیت عمل قلب باز را پشت سر گذاشت و از آن پس گیاه‌خوار شد.

یکی از طرف‌داران پروپاقرص مجموعه بازی‌های «افسانهٔ زلدا» (که برای اولین‌بار در سال ۱۹۸۶ عرضه شد) بود، و حتا نام دخترش را زلدا گذاشت. او به همراه دخترش در سال ۲۰۱۱ در یک آگهی تبلیغاتی برای «افسانهٔ زلدا: شمشیر اسکای‌وارد» ظاهر شد.

دوازدهم دسمبر ۱۹۹۰ با اعطای ستاره‌یی در پیاده‌رو مشاهیر هالیوود، از او قدردانی شد.

یک بار جیمز لیتن از او پرسید که وقتی وارد بهشت می‌شود، از خدا چه درخواستی دارد که پاسخ داد: «یک چوکی در ردیف اول کنسرت وولفگانگ آمادئوس موتزارت و الویس پریسلی».

شمایل‌های کمدی زنده‌گی او، جاناتان ویتترز و ریچارد پرایر بودند.

چند نقل قول خواندنی

دربارهٔ جاناتان ویتترز: «جاناتان به من آموخت که دنیا برای شوخی کردن است؛ این‌که هر چیزی و هر کسی را می‌شود دست انداخت و کولاک کرد.»

به جاناتان ویتترز گفتم که مرشدم است و او پاسخ داد: «لطفاً بی‌خیال شو، همان شمایل بودن را ترجیح می‌دهم.»

کمدی یعنی برون‌ریزی خوش‌بینی.

دربارهٔ ملوان زبل Popeye / (رابرت آلتمن، ۱۹۸۰): اگر فلم را از آخر به اول تماشا کنید، دارای پیرنگ است.

دربارهٔ نظامیان حاضر در امریکا: دارم به گروهی از آدم‌های تا دندان مسلح نگاه می‌کنم؛ و به خودم می‌گویم: «اگر بامزه و سرگرم‌کننده نباشی، حتما مشکلی وجود دارد.»

دربارهٔ فعالیتش به عنوان بازیگر: آشنایی با این همه آدم جدید واقعا شگفت‌انگیز است. خون‌آشام به خون تازه نیاز دارد. هم‌چنان چیزهای زیادی برای آموختن باقی است و همیشه چیزهای فوق‌العاده‌یی را می‌توان یافت. حتا اشتباه‌ها هم می‌توانند فوق‌العاده باشند!

در نطق اسکاری که برای ویل هانتینگ خوب (۱۹۹۷) دریافت کرد، گفت: بیش از همه می‌خواهم از پدرم تشکر کنم که آن بالا است؛ مردی که وقتی بهش گفتم می‌خواهم بازیگر شوم، گفت: «عالی است... فقط یک شغل دیگر و کمکی هم داشته باش... مثل فلزکاری.»

فکر می‌کنم بالاخره در فلم بعدی بتمن نقش شخصیت ریدلر را بازی خواهم کرد، البته کارم خیلی سخت است، چون هیث لجر در نقش جوکر آدم‌بد به‌یادماندنی را خلق کرد. به علاوه، فلم‌های بتمن تا امروز دو بار مرا پیچانده‌اند. سال‌ها پیش نقش ژوکر را به من پیشنهاد دادند، ولی در نهایت آن را به جک نیکلسن دادند و سپس در فلم دیگری بازی در نقش ریدلر را مطرح کردند که آن‌هم به جیم کری رسید.

از این صحیفه...

مگو بسیچ شبی بونویان به کام شب است
یگانه نام درین روزگار نام شب است
به زیر سقف سبه بخته پاسدار. ولی
درفش روشن اشراقیان به بام شب است
بخوان صحیفهٔ فردای افتابی را
خلول حادثه جوانترین پیام شب است
گمان مبر که هیاهوی موج می‌شنوی
به روی عرشهٔ فردا صدای گام شب است
درخت، باطرهٔ نور را ز باد نبرد
اگرچه سوخته از بیم انتقام شب است
گرش جزیرهٔ تبعیدیان سزاوار است
نعین معاش که این شوکران به بام شب است
قسم به خون شفق ای ستاره بر دوشان
که بخته دشنهٔ بوسید در نیام شب است



چنان مباد!

مباد بشکند ای رودها غرور شما
که این صحیفه شد آغاز با سطور شما
شبان تیره لب تشنه‌گان بادیه را
شکوه صبح‌مدان می‌دهد حضور شما
هزار دشت شقایق، هزار چشمهٔ نوش
بشارتی ست ز آینده‌های دور شما
چه شادمانه به کابوس مرگ می‌خندید
دو روی سکهٔ هستی‌ست سوگ و سور شما
شکیب زخمی مرغابیان ساحل را
توان بال عقابان دهد عبور شما
مباد خسته شود دست‌های جاری‌تان
مباد تنگ شود سینهٔ سار و سوسه‌ها
شبی گذر کند از کوچهٔ شعور شما
مباد تیرهٔ مردابیان تبیره زند
مباد بشکند ای رودها غرور شما



دو غزل از واصف باختری

داکتر عبدالله در جلسه شورای وزیران:

عاملان حمله بر فرماندهی پولیس کابل دستگیر و محاکمه شوند

روز گذشته ۱۹ عقرب ۱۳۹۳ جلسه نوبتی شورای وزیران در کاخ شورای وزیران تحت ریاست محترم داکتر عبدالله عبدالله رییس اجرائیه جمهوری اسلامی افغانستان برگزار گردید.

رییس اجرائیه جمهوری اسلامی افغانستان صحبت‌های خویش را با یادآوری حمله تروریستی روز قبل در فرماندهی پولیس کابل که باعث شهادت سمونوال محمدیاسین رییس دفتر فرمانده امنیه کابل گردید، آغاز نمود. رییس اجرائیه با ابراز همدردی با خانواده این شهید، این حمله و حملات تروریستی اخیر در کشور را محکوم نمود و از نیروهای امنیتی و عدلی کشور خواست تا عاملین این حملات را دستگیر و محاکمه کنند.

رییس اجرائیه در ادامه صحبت‌هایش به وزارت امور خارجه کشور هدایت داد تا طرزالعمل جدید ویژه را به صورت گسترده برای آگاهی عامه در دسترس سفارت‌خانه‌ها و قنصلگری‌های کشور قرار دهد. رییس اجرائیه همچنان به وزارت امور مالیه هدایت داد گزارش جامعی در مورد درآمد کشور ارائه کند.

رییس اجرائیه برنامه کاری شورای وزیران را مطرح و از وضعیت امنیتی کشور، پی‌گیری ثبات قیم مواد سوختی در ایام زمستان، گزارش شرکت برشنا در مورد تأمین برق در ایام زمستان، توظیف و ترکیب کمیسیون برگزاری امتحانات کانون، بحث روی نهادهای همکار و مشاوران وزارت‌خانه‌ها و موثرت این‌ها در بهبود کار وزارت‌خانه‌ها و ارایه راه‌حل مناسب برای مالیات اصناف به عنوان مطالب مورد بحث در این نشست نام برد.

سرپرست وزارت امور داخله کشور نیز گزارش مفصلی از چه‌گونه‌گی عملیات انتحاری در فرماندهی پولیس کابل ارائه نموده گفت: این وزارت تحقیقات جدی را درباره عملیات انتحاری در قوماندانی امنیه آغاز نموده و گزارش خویش را در اسرع وقت به شورای وزیران تقدیم می‌کند.

سرپرست وزارت امور داخله در صحبت‌هایش در مورد



کشور و همکاری‌های بیشتر میان قوای مسلح افغانستان و نیروهای ناتو بعد از تشکیل حکومت وحدت ملی گزارش داد و این عملیات‌ها را موفقانه ارزیابی نمود.

سپس معاون اول ریاست اجرائیه درباره ثبات قیم مواد سوختی در ایام زمستان در کابل به شورای وزیران گزارش داد و از اقدامات ارگان‌های مختلف در فراهم‌آوری مواد سوخت کافی برای شهروندان در ایام زمستان خبر داد. معاون اول ریاست اجرائیه افزود: چوب، ذغال‌سنگ و تیل به اندازه کافی وجود دارد و نگرانی‌یی از کمبود این مواد وجود ندارد، ولی در مورد کمبود گاز در زمستان نگرانی‌هایی وجود دارد. معاون اول در ادامه صحبت‌هایش از اقدامات تازه برای پیشگیری از این مشکل توضیح داد.

معاون شهرداری کابل در بخش خدمات آقای خوژمن علومی در گزارشش درباره مشکل برق و مواد سوخت در مکروریان گفت: مشکل برق مکروریان طبق وعده ریاست برشنا حل می‌گردد ولی مشکل مرکز گرمی مکروریان‌ها هنوز باقیست و ساکنان مکروریان‌ها هنوز مصارف خویش

وضعیت امنیتی کشور افزود: حملات جبهه‌یی و رو در روی دشمن کاهش یافته و تلفات نیروهای پولیس کم شده است. وضع امنیتی در حوزه جنوب غرب و فراه بهبود یافته، ولی تلاش‌های دشمن برای مختل ساختن وضع امنیتی در شرق کشور افزایش یافته است.

سرپرست وزارت امور داخله در ادامه صحبت‌هایش گفت: با تشکیل حکومت وحدت ملی همکاری و هماهنگی نیروهای بین‌المللی با قوای مسلح افغانستان و همچنان نیروهای مسلح پاکستان افزایش یافته و فشار بالای دشمن بیشتر گردیده است.

ستر جنرال بسم‌الله محمدی سرپرست وزارت دفاع ملی نیز در گزارش خود با تأیید گزارش وزارت امور داخله از بهبود وضع امنیتی سخن گفت و علاوه نمود: حملات تهاجمی دشمن کاهش یافته و دشمن بیشتر به حملات تروریستی و استفاده از بمب‌های مقناطیسی روی آورده است. سرپرست وزارت دفاع ملی از آغاز حملات پیش‌گیرانه نیروهای کماندو و عملیات نیروهای خاص در برخی از ولایت‌های

در فرماندهی کابل چه گذشت؟

احمد عمران

آن چه روز یکشنبه، در فرماندهی پولیس کابل اتفاق افتاد، پرسش‌های جدی‌یی را در مورد امنیت کشور دامن زده است. حمله انتحاری در مقر فرمانده پولیس کابل پیام دلهره آوری را می‌تواند با خود داشته باشد. عاملان حمله به فرماندهی کابل با حمله به دژ امنیتی شهر نشان دادند که هنوز چیز به نام محل امن در مرکز کشور وجود ندارد. حمله انتحاری به فرماندهی پولیس افزون بر تلفات اسفباری که برجای گذاشت، سبب شد که یک بار دیگر بحث امنیت کابل نشینان در صدر رسانه‌ها قرار گیرد. کمتر رسانه‌یی در کشور وجود دارد که به تحلیل این رویداد نپرداخته باشد و حدس و گمان‌هایی را مطرح نکرده باشد. به ویژه فضای مجازی آکنده از گمانه‌زنی‌های متفاوت و اغراق آمیز نسبت به این حادثه است. در جایی خواندم که نویسنده مطلب حمله انتحاری در فرماندهی پولیس کابل را تا مسایل اخیر انتخاباتی و حتا اعدام‌ها کشانده بود و نتیجه گرفته بود که «دشمنان جنرال ظاهر فرمانده پولیس کابل» تلاش کردند از او انتقام بگیرند. برخی رسانه‌ها هم با مرموز خواندن حادثه تخم شک و گمان را در ذهن‌ها کاشته‌اند. مقام‌های فرماندهی پولیس کابل هم ساعتی پس از این حادثه و تا امروز، چیز روشنی در این خصوص ابراز نکرده است. گاهی از یک نشانی نامعلوم آن گونه که در رسانه‌ها معمول شده، فردی که خواست هویتش فاش نشود» چیزهایی در سرخط رسانه‌ها قرار می‌گیرد. از جمله این که فردی از درون فرماندهی پولیس گفته است که عامل انتحاری به وسیله یکی از وسایط پولیس انتقال یافته بود؛ اما پرسش این جاست که این فرد چگونه تا دروازه فرمانده پولیس کابل راه پیدا کرد؟ گفته می‌شود که رسیدن تا دروازه دفتر فرمانده پولیس کابل گذشتن از هفت خوان رستم است و ضمناً برای ورود به دفتر کار فرمانده پولیس باید از یک دروازه امنیتی بسیار مستحکم عبور کرد. حالا این حمله کننده انتحاری چگونه توانسته این هفت خوان رستم را عبور کند و خود را تا نزدیکی دروازه دفتر فرمانده پولیس کابل برساند؟ در این که هدف اصلی در این سوئفد شخص جنرال

را از بابت سال‌های قبل نپرداخته‌اند. رییس اجرائیه هدایت داد که برای تهیه مواد سوخت برای مکروریان‌ها جلسه عاجلی به اشتراک وزارت اقتصاد، تجارت و مالیه تحت ریاست معاون اول اجرائیه برگزار شود و گزارش آن به ریاست اجرائیه تقدیم گردد.

سپس طبق برنامه رییس شرکت برشنا گزارش مفصلی از وضعیت کنونی انرژی برق در کشور برای شورای وزیران ارایه و طرح این ریاست را برای تقلیل قطع برق و یافتن راه‌حل درازمدت برای این مشکل به شورای وزیران ارایه نمود. شورای وزیران تصمیم گرفت مشکل کمبود برق مورد بحث و ارزیابی کارشناسانه قرار گیرد و راه حل نهایی برای تقلیل و رفع مشکل قطع برق در کابل در ایام زمستان به این شورا برای اتخاذ تصمیم نهایی تقدیم گردد.

رییس شرکت برشنا همچنان به شورای وزیران خبرداد که کار اعمار بند برق تویچی در ولایت بامیان عنقریب از طرف این شرکت شروع می‌گردد.

همچنان رییس اجرائیه از تشکیل کمیسیون برگزاری امتحانات کانون به اشتراک نماینده‌گان فوق‌العاده وزارت‌های معارف، امور داخله، دفاع ملی، امنیت ملی، وزارت مالیه، وزارت تکنالوژی معلوماتی و مخابرات، ارگان‌های محل، وزارت ارشاد، حج و اوقاف و اطلاعات و فرهنگ تحت رهبری وزارت تحصیلات عالی خبر داد که مورد تأیید شورای وزیران قرار گرفت. رییس اجرائیه هدایت داد که کمیسیون به صورت منظم جلسات خویش را برگزار و گزارش کاری خویش را به شورای وزیران ارایه کند.

رییس اجرائیه جمهوری اسلامی افغانستان در مورد فهرست مشاوران وزارت خانه‌ها، به دلیل ناقص بودن معلومات، به وزارت‌های مختلف هدایت داد که طبق فورم‌هایی که از طرف دارالانشای شورای وزیران تهیه گردیده، معلومات لازم را به دارالانشای شورای وزیران ارایه نمایند تا در جلسه بعدی شورای وزیران در این مورد بحث شود.

فرستادن نظامیان به پاکستان....

فرستاده می‌شوند.

جاوید کوهستانی آگاه نظامی سیاسی می‌گوید، چون یک روحیه ضدی پاکستانی در میان ارتش افغانستان حاکم است؛ بنابراین چنین پیشنهاداتی عملی نخواهد شد، زیرا هیچ نظامی افغانستان حاضر نیست جهت آموزش به پاکستان برود.

او گفت، در گذشته کسانی که برای رفتن به پاکستان جهت آموزش کاندید شده بودند، اما از میان ده‌ها نفر تنها یکی و دو نفر حاضر برای رفتن شدند.

به گفته کوهستانی، حتا بحث مانور مشترک که سه سال قبل مطرح شده بود، مورد تأیید منسوبین ارتش افغانستان واقع نشد و به همین دلیل مانور مشترک با وجود اینکه پرتوکولی نیز در این زمینه امضا شده بود، اجرا نشد.

این آگاه نظامی - سیاسی، توقع در سطح آموزش و اجرایی مانور مشترک با پاکستان را یک امر ناممکن و حتا اگر ممکن هم باشد، بدون نتیجه مطلوب می‌داند.

او تأکید می‌کند، تا زمانی که پاکستان صداقت خود را در راستای مبارزه با تروریسم به مردم افغانستان نشان ندهد و دشمنان مردم افغانستان را که در پاکستان ساکن هستند و آموزش می‌بینند، اخراج نکند و یا به دولت افغانستان تسلیم ندهد، عملی شدن چنین برنامه‌هایی غیر ممکن است.

جنرال کوهستانی احتمال این که پاکستان به بهانه آموزش نیروهای نظامی افغانستان را جاسوس تربیت کند بعید دانسته می‌گوید، هرچند امکان تربیت جاسوس از راه آموزش نظامیان افغانستان امکان پذیر نیست، زیرا چنین روحیه در نظامیان ما وجود ندارد؛ اما غیرممکن هم نیست که نظامیان پاکستان به جای آموزش نظامی، برای خود جاسوس تربیت کنند.

در همین حال، عزیز رفیعی رییس مجتمع جامعه مدنی می‌گوید، از یکطرف پاکستان نگرانی شدید از حضور هند در افغانستان دارد و از طرف دیگر هنوز هم آرزو دارد تا به هر نحوی که شده در مسایل سیاسی و نظامی افغانستان حضور داشته باشد.

به گفته رفیعی، تمامی کشورهایی که در افغانستان حضور دارند، به نحوی دنبال منافع خود شان هستند؛ بنابراین پاکستان هم دنبال نفع خود است و بعید هم نیست که به بهانه آموزش نظامیان افغانستان در صدد تربیت کردن جاسوس برای خود باشد.

او می‌گوید، زمانی که در سال‌های گذشته پاکستان چنین پیشنهادی کرد، کسانی در پارلمان بودند که با این طرح موافقت کردند و اکنون هم افرادی هستند که با این پیشنهاد موافق هستند و این طرح را به نفع افغانستان می‌دانند.

رفیعی تأکید کرد، اما این دولت افغانستان است که با توجه به منافع ملی باید تصمیم بگیرد و نباید به دشمنان افغانستان اعتماد کند.

گفته می‌شود که هم‌اکنون صدها سرباز ارتش افغانستان در کشورهای هند و ترکیه مصروف فراگیری آموزش‌های نظامی هستند و شاید پاکستان به همین دلیل چنین پیشنهادی را پیوسته به کابل ارایه می‌کند.

دولت افغانستان ظاهراً این پیشنهاد را نادیده گرفته و هیچ واکنشی در باره آن نشان نداده است؛ اما باید منتظر شد و دید که واکنش افغانستان در آینده در مورد این پیشنهاد چه خواهد بود.

نبايد غافل بود. برخی کشورهای منطقه که چشم دیدن موفقیت‌های دولت تازه تاسیس را ندارند، با تلاش‌های چند جانبه سعی می‌کنند که افغانستان را کشوری ناامن نشان دهند؛ کشوری که توانایی مدیریت خود را ندارد و همواره دست‌خوش مشکلات داخلی است. فراموش نکنیم که برخی از این کشورها حتا مدعی اند که افغانستان پایگاه اصلی تروریست‌هاست و کشورهای دیگر را در منطقه ناامن می‌سازد. مقام‌های پاکستانی همواره که در معرض انتقاد نسبت وجود پایگاه‌های تروریستی در خاک آن کشور رو به رو می‌شوند، انگشت اتهام را به سوی افغانستان دراز می‌کنند و حتا ادعای وجود مخالفان مسلح خود را در این کشور مطرح می‌سازند. همین چند روز پیش وزارت خارجه پاکستان در واکنش به گزارش پنتاگون وزارت دفاع امریکا که در آن از حمایت پاکستان از گروه‌های تروریستی و بنیادگرا خبر داده شده است، مدعی شده اند که افراد مسلح مخالف در خاک افغانستان پناه داده می‌شوند و از آن‌ها علیه امنیت پاکستان استفاده صورت می‌گیرد. این گونه کشورها بدون شک خواهان برقراری صلح و امنیت در افغانستان نیستند. از جانب دیگر بحث صلح نیز در پرتو حوادث و رویدادهای اخیر می‌تواند شکننده‌گی خود را نشان دهد. رهبران دولت وحدت ملی هرچند تلاش کردند که نوع نگاه خود به موضوع صلح را در سطح کلان مطرح کنند، اما حوادثی از این دست می‌تواند به تغییر دیدگاه‌ها منجر شود. افزایش حملات انتحاری و تهاجمی به هیچ صورت خبر خوشی برای گفت‌وگوهای صلح بوده نمی‌تواند. طالبان یک بار دیگر از موضع جنگ تلاش دارد به موفقیت برسد، چیزی که ناکامی آن حداقل در سیزده سال گذشته به خوبی ثابت شده است. طالبان به هیچ صورت با سیاست جنگ و خشونت طلبی نمی‌تواند به هدف برسد. این سیاست علی‌الرغم این که دوام این گروه را در یک دهه پسین ضمانت کرده ولی این گروه را به شدت منزوی هم نگه داشته است. طالبان به سمتی پیش می‌رود که دیگر تمام سرمایه خود را بر سر ادامه جنگ برای همیشه از دست خواهد داد.

ظاهر بوده نمی‌توان تردید کرد. آقای ظاهر می‌تواند هدف مهمی برای گروه‌های مسلح مخالف باشد. به ویژه آن که در چند ماه گذشته در اثر تلاش‌های او امنیت کابل بهتر از گذشته شده بود. اما آیا این قضیه می‌تواند یک انتقام‌گیری سیاسی هم تلقی شود؛ آنگونه که برخی‌ها در فضای مجازی از آن سخن گفته‌اند؟ ادعای چنین چیزی هنوز که بررسی‌ها و تحقیقات لازم به گونه رسمی انتشار نیافته تنها می‌تواند یک گمانه زنی به شمار رود و نه چیزی بیشتر از آن. چنین ادعایی زمانی می‌تواند تأیید شود که گزارشی دقیق و غیرجانبدارانه از این رویداد به نشر رسیده باشد. تا آن زمان فقط باید دغدغه‌ها و نگرانی‌های موجود در این رابطه را دنبال کرد. اما سخن این مقال نه فقط در باب دغدغه‌ها و نگرانی‌های موجود در این رابطه است؛ بل هدفی فراتر را دنبال می‌کند که بدون تردید بحث کلان امنیت و گفتگوهای صلح را در خود دارد. برای دولت وحدت ملی که چیزی بیشتر از یک ماه از عمر آن می‌گذرد چنین رویدادها و حوادثی می‌توانند سنگین تمام شوند. مخالفان مسلح نیز این موضوع را به خوبی درک کرده‌اند و با توجه به این حساسیت تلاش‌های خود را در جهت ناامن ساختن هرچه بیشتر کشور افزایش بخشیده‌اند. در هفته‌های پسین، حملات انتحاری و تهاجمی به صورت کم سابقه‌یی گسترده‌گی یافته است. روزی نیست که در مرکز بیشتر و در ولایات کمتر شاهد یکی دو رویداد تلخ انتحاری نباشیم. حوادثی از این دست برای دولتی که تازه کار را آغاز کرده جنجال آفرین است. از یک سو رهبران جدید را به مبارزه می‌طلبند و از جانب دیگر امیدهایی را که در دل مردم پس از روی کار آمدن دولت وحدت ملی به وجود آمده است، خلال وارد می‌کند. مخالفان مسلح با آگاهی از این دو موضوع حملات خود را تشدید بخشیده‌اند و حتا احتمال آن وجود دارد که اقدام‌های از این بزرگتر را برنامه ریزی کرده باشند. ایجاد مشکل برای دولت وحدت ملی از مهم ترین هدف‌های مخالفان مسلح و در صدر همه طالبان قرار دارد.

البته از دست‌های پشت پرده استخبارات بیگانه نیز



از جهان سوم به جهان اول داستان سنگاپور

از سال ۱۹۶۵ الی ۲۰۰۰ میلادی



یکی از داستان‌های موفقیت نظام سرمایه‌داری رهبری شده
مُدل اجتماعی-اقتصادی که سنگاپور را از جهان سوم به جهان اول ارتقا بخشید

بخش دوم

خاطرات لی کووان یو

اقتباس و ترتیب: محمود کرزی

این‌که گاه کینگ سوی (Goh Keng Swee) علاقه‌مند بود وظیفه ساختن نیروهای امنیتی ما را عهده دار شود، خاطر من را از جهت امنیت راحت ساخت. (کینگ سوی که در بریتانیا تحصیل کرده بود در سال ۱۹۶۵م به حیث نخستین وزیر دفاع و داخله سنگاپور مقرر شد.) من تصمیم گرفتم تا مسوولیت امور دفاع و داخله را در چوکات یک وزارت واحد به او واگذار کنم. این امر به او کمک می‌کرد تا قوای پولیس را در جهت آموزش ابتدایی نوآموزان اردو به‌کار گیرد. انتقال کینگ سوی به ساحه نظامی خلایی را در وزارت مالیه بوجود آورد. من این مطلب را با او مورد بحث قرار داده و هر دو در مورد تقرر لیم کیم سان (Lim Kim San) به حیث وزیر مالیه موافقه نمودیم. برخورد کیم سان با مسایل بر عمل استوار بود؛ او مرد عمل‌گرا بود. برعلاوه، او می‌توانست بدون اصطکاک با کینگ سوی کار نماید؛ این امر به کینگ سوی اجازه می‌داد تا بطور غیررسمی در امر طرح سیاست اقتصادی کمک کند.

معضله سومی و از همه بزرگتری که با آن مقابل بودم اقتصاد بود- چگونه می‌توانستی ماسباب معیشت مردم خود را فراهم آوری؟ اندونیزیا در تقابل ورقابت بامافراد داشت و تجارت در حال رکود بود. مالیزایی‌ها می‌خواستند سنگاپور را نادیده گرفته و با شرکای تجارتی خود، وارد کننده‌گان، و صادرکننده‌گان بطور مستقیم از طریق بنادر خود معامله کنند. سنگاپور مستقلی که دیگر در مرکز قلمرو واحد تحت کنترل بریتانیا قرار نداشت، چگونه می‌توانست بقای خود را حفظ کند؟ با در نظر داشت این‌که، بیکاری در حد ۱۴ درصد قرار داشته و در حال افزایش بود، باید برای این سوال اساسی پاسخ‌های عاجل سراغ می‌شد. برعلاوه، روشن بود که ما باید شیوه معیشت جدیدی را بوجود می‌آوردیم که با شیوه معیشت ما در دوران قیومیت بریتانیا تفاوت داشت. من مواد وارداتی بی را دیده بودم که کارگران سنگاپوری آن‌ها را با دقت پاک و درجه‌بندی کرده و برای صادرات آماده می‌ساختند. از این به بعد، مواد خامی که از مالیزیا و اندونیزیا وارد شده و در سنگاپور آماده صدور می‌شدند در اختیار ما قرار نداشتند. ما مجبور بودیم اقتصاد جدیدی را بوجود آوریم، و شیوه‌ها و طرح‌های بدیعی را مورد تجربه قرار دهیم، شیوه‌ها و طرح‌هایی که در گذشته در هیچ کتار جهان مورد استفاده قرار نگرفته بودند، زیرا کشور مشابهی وجود نداشت که سنگاپور از آن تقلید کند. هانکانگ تنها جزیره‌یی بود که با ما شباهت داشت؛ ولی حکمرانی هانکانگ هنوز در دست انگلستان بود و چین را به حیث سرزمین عقبی خود در اختیار داشت. از نظر اقتصادی، هانکانگ تا حد زیادی جزء چین بود و به حیث نقطه اتصال و ارتباط چین با جهان سرمایه‌داری و تجارت با کشورهای غیرکمونیت اجرای وظیفه می‌کرد.

پس از دقت و تأمل در باره این مسایل و بدیل‌های محدودی که در اختیار داشتیم، بدین نتیجه واصل شدم که اگر بنا باشد که سنگاپور به صفت یک دولت-شهری جزیره در جنوب شرق آسیا دوام و بقا داشته باشد، نمی‌تواند به حیث یک واحد سیاسی عادی و معمولی عمل کند. برای تأمین بقای چین دولت-شهری، لازم است مردم آن به کوشش‌های خارق‌العاده دست بزنند و مردمی متحد، سخت‌کوش، و قابل اتباق با شرایط بار آیند؛ ما که در چنین دولت-شهری زندگی می‌کردیم باید کسانی می‌شدیم که امور را بطور مؤثرتر و ارزان‌تر نسبت به همسایه‌ها انجام می‌دادیم؛ زیرا همسایه‌های مامصم بودند تا ما را نادیده بگیرند و نقش ما را به حیث گدام و دلال تجارت منطقه از بین ببرند.

بزرگترین سرمایه‌ما اعتماد مردم ما بود. این اعتماد را ما از طریق مبارزه بدست آورده بودیم که به نایب از مردم خود، بدون ترسی در دل، در برابر کمونیت‌ها و افراطیون مالیزایی به‌راه انداختیم؛ و

این کار را در زمانی کردیم که قوای پولیس و اردو هنوز در دست حکومت مرکزی (مالیزیا) قرار داشت. کمونیت‌ها، من و همکارانم را به حیث سگ‌ها و پادوهای سرمایه‌داران استعماری به مضحکه گرفتند و به ما به عنوان نوکران و میدان فیودالیست‌های مالیزایی نفرین فرستادند. ولی زمانی که وضع بدتر شد حتی چینی‌های که میلان به چپ داشتند و رهبران تحصیل کرده از طبقه متوسط بودند نیز به دفاع از منافع متعرضین ما برخاستند. ما بسیار محتاط بودیم تا اعتماد مردمی‌بی را که نصیب ما شده بود در نتیجه سوء اداره و فساد اداری از دست ندهیم. من به این سرمایه سیاسی نیاز مبرم داشتم تا بتوانم از موقعیت عالی و شاز تجارتي سنگاپور، به حیث یگانه دارایی ملی کشور، استفاده اعظمی را بعمل آورم.

۲) انگلستان قوای خود را خارج می‌کند (صفحه ۴۷ و بعد)؛ زمانی که کینگ سوی و من در اکتوبر ۱۹۶۶ از دینیس هیل می‌خواستیم تعدادی از طیارات جنگی نوع هاکر هنتر را بالای ما بفروشد، او خندید. درحالی‌که انگشت خود را بسوی ما تکان می‌داد، هیل پرسید هدف شما از داشتن طیارات جنگی چیست، در حالی که قوای هوایی بریتانیا دفاع ما را به عهده گرفته بود؟ ما بدون اینکه طیاره خریدیم، لندن را با این اطمینان ترک کردیم که قوای هوایی انگلیس، در صورت ضرورت، از ما (سنگاپور) دفاع خواهد کرد.

ما به اعتماد دفاعی‌بی که وجود قوای بریتانیا به سنگاپور می‌داد نیاز فوق‌العاده مبرم داشتیم. در صورتی که قوای بریتانیا، قبل از این‌که ما توانایی دفاع از خود را کسب کرده باشیم، بطور ناگهانی سنگاپور را ترک می‌کرد، به نظر من، ما قادر به دفاع و تأمین بقای خود نبودیم. موجودیت قوای بریتانیا در سنگاپور به مردم اطمینان می‌داد؛ بدون چنین اطمینانی سرمایه‌گذاری خارجی داخل سنگاپور نمی‌شد؛ سرمایه‌گذاری‌بی که به کمک آن ما می‌توانستیم امتعه و خدمات خود را غرض امرار معاش به خارج صادر کنیم. صدور امتعه و خدمات یگانه راهی بود که ما می‌توانستیم از طریق آن برای جوانانی که از دانشگاه‌های ما فارغ می‌شدند، محل کار ایجاد نموده و از بیکاری گسترده جلوگیری بعمل آوریم. در جنوری آن سال من هارولد ویلسن، صدراعظم انگلستان، را در کنفرانس اضطراری صدراعظمان ممالک مشترک‌المنافع، که در مورد اعلامیه یک‌جانبه استقلال رودیشیا در لاگوس دایر شده بود، ملاقات کردم. در حواشی این کنفرانس ما موضوع آینده قوای بریتانیا در سنگاپور را مورد صحبت قرار دادیم. او به من معلومات داد که احتمالاً مجبور خواهد بود تا ۲۵۰۰۰ تن از قوای ۵۰۰۰۰ هزار نفری خود را از مالیزیا خارج نماید. هرچند او اظهار داشت که تا هنوز در این باره تصمیمی اتخاذ نشده است؛ معذالک، احساس و برداشت من این بود که او در مسیر تقلیل قوا در حرکت بود.

برای درک روشن تر اراده بریتانیا، و به منظور بحث روی برنامه دفاعی آن کشور، در اپریل ۱۹۶۶ از لندن بازدید کردم. کشف این مطلب که مفکوره اخراج قوا از شرق سوز طرفداران زیادی در میان احزاب کارگر و محافظه‌کار داشت و تعداد عظیمی از رهبران، نویسندگان، و مبصرین هر دو حزب از این مفکوره

حمایت و طرف‌داری می‌کردند، برای من تکان دهنده بود. آقای دینیس هیل (به‌گواهی مطبوعات) اظهار داشت که مفکوره خروج مرحله‌یی فوری قوا در کابینه بریتانیا طرف‌داران قوی داشت؛ این اشخاص توسط جورج براون، شخصیت دوم کابینه بعد از ویلسن، رهبری می‌شدند. پال جانسن، مدیر روزنامه نیو استیتسمن، سال ۱۹۶۸ را با اطمینان کافی به حیث تاریخ دقیق خروج قوای بریتانیا از شرق سوز اعلام نمود. اخراج قوا از شرق سوز مفکوره‌یی بود که به آسانی می‌توانست طرفداران زیادی را در صفوف حزب کارگر به‌خود جلب نماید. ایان مک‌لوید، وزیر اسبق محافظه‌کار و وزیر مجازی مالیه و اقتصاد (مربوط حزب محافظه‌کار) برابم گفت که در حزب او عده زیادی از هواخواهان همگرایی و اتحاد با اروپا وجود دارند که به شدت از مفکوره اخراج قوای بریتانیا از مناطق شرق سوز حمایت می‌کنند.

هیلی برابم گفت که تعداد زیاد اعضای حزب کارگر قویا بدین نظر اند که خروج کامل قوای انگلیس از جنوب شرق آسیا باید بیشتر بدین منظور صورت گیرد که در مشاجرات و اختلاف میان حکومت‌های منطقه انگلستان متهم به طرف‌داری جهت‌ی شود. قوای انگلیس باید وسیله‌یی کمتری صلح و ثبات در منطقه باشد و زیادتر به صفت قوه ضعیف‌تری به مقایسه سابق برای حل منازعات منطقه کمک نماید. وی به من هشدار داد که سیاست نظامی بریتانیا در ارتباط با جنوب شرق آسیا بزودی، محتملاً در دوران حیات حکومت‌کنونی، تغییر نماید. این تشویش و عدم اطمینان در مورد حضور قوای انگلیس در منطقه (که ضامن استقلال ما پنداشته می‌شد) تشویش دایمی‌بی را برای من ایجاد کرده بود. در نتیجه، من و کینگ سوی تصمیم گرفتیم که صرف‌نظر از تصمیم نهایی بریتانیا در این ارتباط، هرچه زودتر به ایجاد قوای نظامی‌بی که وجود آشکار داشته باشند، اقدام کنیم. هدف از این اقدام ما این بود تا به مردم خود و همسایه‌ها حالی سازیم که ما فاقد قدرت دفاع از خود نیستیم.

یک‌روز قبل از این‌که لندن را ترک گویم، به تاریخ ۲۵ اپریل، ملاقات نهایی خود را با هیرالد ویلسن انجام دادم. وی از من در مورد نقش بندرگاه‌های بریتانیا در اقتصاد سنگاپور پرسید. سنجش من از این نقش در حدود ۲۰ درصد تولید ناخالص ملی (GDP) بود. مسدود شدن این بندرگاه‌ها به خروج تعداد زیادی از مالیزایی‌ها و هندی‌هایی که در بندرگاه‌ها کار می‌کردند، منجر می‌شد. این امر سبب بیجا شدن فعالیت‌های اقتصادی می‌شد؛ ولی ترس اصلی من از اثراتی بود که مسدود شدن بندرگاه‌ها بر روحیه مردم وارد می‌کرد. ما پس از کوشش‌های زیاد مؤثف شده بودیم مردم خود را روحیه بخشیده و آن‌ها را متقاعد سازیم که کمونیزم یک موج غیرقابل جلوگیری نیست. در نتیجه این اعتقاد بود که مردم با ما همکاری می‌کردند. از بین رفتن این اعتقاد به معنی از بین رفتن همکاری مردم با ما بود. خروج قوای بریتانیا و مسدود شدن بندرگاه‌های آن‌کشور در سنگاپور می‌توانست ضربه شدیدی بر روحیه مردم ما وارد نماید. در اینصورت، مردم قدرت و نفوذ روزافزون چین را غیرقابل اجتناب پنداشته و از همکاری با ما (حکومت سنگاپور) دست بر می‌داشتند.

توافق نامه باید کاملاً...

و پرافتخاری هستید که به رغم دشواری‌ها و مشقت‌ها هیچگاه قد خم نکردید و استوار و سربلند در دوران جهاد و مقاومت از وطن و نوامیس ملی دفاع کردید. رییس اجرایی افزود: اگر من چیزی آموخته‌ام از همراهی آمرصاحب شهید آموخته‌ام در هر مقام و هر جایی که باشم این نعمت را فراموش نمی‌کنم و شکر آن را به جا می‌آورم.

رییس اجرایی جمهوری اسلامی افغانستان افزود: با تشکیل حکومت وحدت ملی گام‌هایی برداشته شده است، ولی هنوز هم راه درازی در پیش داریم. از حمایت بی‌چون چرا و بی‌دریغ شما مردم سلحشور در این راه تشکر می‌کنم.

رییس اجرایی همچنان در صحبت‌هایش علاوه نمود: توافقنامه شکل‌گیری حکومت وحدت ملی باید به صورت جامع تطبیق گردد و عملی شود. بدیلی برای تشکیل حکومت وحدت ملی وجود ندارد. مردم در شرایط کنونی افغانستان آگاه تر از قبل اند و باید مردم در جریان تصمیم‌گیری‌ها با شما مردم مشورت می‌کرد و این راه را ادامه می‌دهیم و شما را در جریان تمام تحولات و تصمیم‌گیری‌ها قرار می‌دهیم.

رییس اجرایی با اشاره به انتخابات و بحث اصلاحات در حکومت وحدت ملی گفت: می‌خواهیم مردم مطمئن شوند که دیگر تهداب استقرار در کشور گذاشته شده است. به قول آمرصاحب شهید یک شهروند حق یک رأی دارد. این اصل باید عملی گردد. انتخابات بعدی باید به صورت شفاف و عادلانه برگزار شود. تعدیل قانون اساسی کشور از برنامه‌های دیگر حکومت وحدت ملی است و بحث روی تشکیل کمیسیون‌های اصلاحات نظام انتخاباتی و تعدیل قانون اساسی آغاز گردیده است.

رییس اجرایی در ارتباط به مشکلات مردم و شهداء و معلولین گفت: از وضع شما مشکلات تان و مشکلات خانواده شهداء و معلولین به خوبی مطلع هستم و در جهت رسیدگی به آن با تمام توان تلاش خواهیم نمود. نماینده‌گان و بزرگان ولایت پنجشیر در دیدار با داکتر عبدالله گفته‌اند که مفاد توافقنامه تشکیل حکومت وحدت ملی باید به صورت کامل تطبیق و اجرا گردد. آن‌ها همچنان گفته اند: مردم در دفاع از حق خویش آماده اند. سیاست وقت کشی دیگر به نفع کشور نیست و توافقنامه هرچه زودتر باید عملی شود.

برای اشرف غنی و عبدالله...

را کمک کنیم. یک افغانستان با ثبات خواست مهم ما نیز است».

رییس جمهور غنی گروه طالبان را به مذاکرات صلح فراخوانده است اما این گروه تا حالا نه تنها به این درخواست پاسخ مثبت نداده بلکه در این اواخر حملات خود بر نیروهای امنیتی افغانستان را شدت بخشیده است.

حکومت قبلی افغانستان به رهبری حامد کرزی برای چند سال مذاکره با طالبان را در اولویت کاری خود قرار داده بود و حامد کرزی شخصاً به این هدف چندین بار به پاکستان سفر کرد. اما این تلاش‌ها نتیجه نداد و حامد کرزی در روزهای آخر کاری خود اشاره کرده بود که حکومت ملکی پاکستان حاضر به کمک در روند صلح است، اما نظامیان این کشور از این تلاش‌ها حمایت نمی‌کنند.

در هفته‌های نخست ریاست جمهوری اشرف غنی، سرتاج عزیز مشاور امنیت ملی و امور خارجی نواز شریف به کابل سفر کرد و ضمن ملاقات با اشرف غنی دعوتنامه شریف را به او تحویل داد تا از پاکستان دیدار کند.

استخبارات نظامی پاکستان متهم است که رابطه نزدیکی با طالبان افغانستان دارد. جنگجویان طالبان ۱۳ سال می‌شود که با حکومت افغانستان و نیروهای بین‌المللی در جنگ قرار دارند.

نواز شریف اتهام حمایت کشورش از شورشیان را رد کرد و گفت: «من هیچ منطقی در عقب این اتهام‌زنی‌ها نمی‌بینم. ما کشوری هستیم که با تروریست‌ها می‌جنگد، شبکه‌های آن‌ها را درهم می‌شکند و مناطق عقب‌نشینی آن‌ها را پاکسازی می‌کند».

نخست وزیر پاکستان به این نکته نیز اشاره کرده است که حدود ۵۰ هزار تن در پاکستان قربانی تروریسم شده اند و اقتصاد این کشور نیز از این ناحیه آسیب دیده است: «ما چرا در عین زمان باید تروریست‌ها را حمایت کنیم؟».

مدیر مسؤول: نظری پریانی - ۰۷۰۰۲۶۳۱۵۲
nazari.paryani@yahoo.com
ویراستار: روح الله یوسف زاده
مدیر خبر: مجتبی امیری
گروه نویسندگان: حلیمه حسینی، احمد عمران و کاوه جبران
گزارشگران: ناجیه نوری، عرفان مومند و محمد هارون مجیدی
برگ آرای: مجیب احمدی

نشانی برقی: mandegar.daily@gmail.com وب سایت: www.mandegardaily.com

شماره تماس: ۰۷۵۲۰۴۴۲۱۰ - هرات: ۰۷۸۹۵۱۰۰۶۶

مسؤول توزیع: حبیب الله - ۰۷۰۸۱۶۹۸۲۸

نشانی: چهارراهی حصه دوم کارته پروان، سرک غربی (سمت باغ بالا) دست راست، کوچه پنجم

شماره گان: ۵۰۰۰

به جز «سخن ماندگار، مسؤولیت دیگر نوشته‌ها به نویسنده گان بر می‌گردد.

Year 6 NO 1410 Tuesday 11 November 2014

DAILY

Mandegar

افغانستان؛ قربانی «بازی بزرگ جدید»

شبکه خبری راشا تودی

واژه «بازی بزرگ جدید» به عنوان یک عبارت اختصاری برای رقابت در آسیای میانه بر سر انرژی در دوران پس از شوروی سابق برای سال‌ها مورد استفاده قرار گرفته و در این زمینه خط لوله گاز ترکمنستان، افغانستان، پاکستان و هند (تاپی) محوری به نظر می‌رسد.

پس از چند دهه برنامه ریزی و تفکر درباره خط لوله تاپی، احداث آن نهایتاً قرار است سال آینده شروع شود. براساس اعلام نشریه نفت و گاز ترکمنستان ۶۰۰ میلیون بشکه ذخایر نفت خام اثبات شده تا جنوری ۲۰۱۴ داشته است و اداره اطلاعات انرژی ترکمنستان می‌افزاید این کشور همچنین ششمین دارنده بزرگ ذخایر گاز طبیعی جهان و دومین تولیدکننده گاز طبیعی خشک در منطقه اوراسیا است.

در حقیقت ترکمنستان به یک صادرکننده برجسته گاز طبیعی تبدیل شده که بیش از نیمی از صادرات خود را به چین انجام می‌دهد و روسیه و ایران دیگر واردکننده گان بزرگ گاز از این کشور هستند که باعث شده‌اند غرب و تقاضای آن بی‌پاسخ بماند و این جایی است که افغانستان به عنوان همسایه ترکمنستان به یک بازیگر کلیدی در تلاش غرب برای دسترسی به گاز ترکمنستان تبدیل می‌شود.

اما اکنون که آمریکا و متحدانش در ناتو قرار است افغانستان را ترک کنند، احتمال ظهور مجدد طالبان محتمل به نظر می‌رسد و می‌تواند بار دیگر احداث خط لوله تاپی را به خطر بیندازد.

به نظر می‌رسد افغانستان برای یک دوره یک نقش مهم در برنامه‌ریزی‌های سیاستگذاری انرژی غرب داشته است. اگرچه این بعد از کشور فاقد نفت و ناآرام افغانستان اغلب نادیده گرفته شده است. دولت آمریکا

در زمان ریاست جمهوری جورج بوش در واکنش به حملات تروریستی یازده سپتمبر حمله به افغانستان را در دستور کار قرار داد.

این کشور جنوب آسیای میانه که به دریا متصل نیست در دهه ۱۹۸۰ زمانی که شوروی سابق برای نجات دولت سوسیالیست افغانستان از دست مجاهدین در آن مداخله نظامی انجام داد تجربه مشابهی را سپری کرد.

پس از عقب‌نشینی فضااحت‌بار شوروی سابق در ۱۵ فبروری ۱۹۸۹ افغانستان دچار یک جنگ داخلی به ادامه دار شد. این جنگ داخلی به پیروزی طالبان به عنوان جانشینان ایدئولوژیک مجاهدین منتهی شد که در سال ۱۹۹۶ کنترل کابل را در دست گرفتند، اما همچنان مجبور بودند با رقبایی نظیر نیروهای احمد شاه مسعود (قهرمان ملی افغانستان) در شمال که در نهم سپتمبر ۲۰۰۱ ترور شد، مقابله کنند.

ماجرای جوی نظامی شوروی سابق در افغانستان کمی بیش از ۹ سال طول کشید و به نابودی اقتصاد این کشور و در نتیجه تسریع سقوط اتحاد جماهیر شوروی منجر شد. در حقیقت شوروی سابق به طور رسمی کمتر از دو سال پس از پایان اشغالگری در افغانستان و در ۲۶ دسمبر ۱۹۹۱ تجزیه شد. اگرچه به لحاظ ظاهری این برهه تاریخی تماماً درباره ایدئولوژی و تلاش برای برتری سیاسی بوده است، اما در پشت صحنه دلیل واقعی بار دیگر مساله نفت یا دستکم تصورات سازمان جاسوسی آمریکا (سیا) بوده است.

در مارچ ۱۹۷۷ دفتر تحقیقات اقتصادی سیا گزارش محرمانه ۱۴ صفحه‌ای با عنوان «بحران قریب‌الوقوع نفتی شوروی» را منتشر کرد. این گزارش در سال ۱۹۹۹ از حالت محرمانه خارج و منتشر شد. در این گزارش آمده بود صنعت نفت شوروی به دردمس افتاده است. تولید نفت این کشور به زودی و احتمالاً تا سال آینده و مطمئناً قبل از اوایل ۱۹۸۰ به حد نهایی خود می‌رسد. در آن زمان سیا تاکید کرد که شوروی دو مشکل اساسی

حال این سوال مطرح است که آیا تکمیل خط لوله تاپی نهایتاً صلح را به افغانستان باز می‌گرداند؟

آیا افغانستان به جزو لایتفک آینده انرژی غرب تبدیل خواهد شد؟ و آیا پس از سال ۲۰۱۴ این

کشور شاهد تکرار حوادث دهه‌های قبل خواهد بود؟



درد که یکی ذخایر و دیگری تولید نفت است. جیمی کارتر رییس جمهور وقت آمریکا براساس همین نظریه دکترین خود را در ۲۳ جنوری ۱۹۸۰ ترسیم کرد.

در دکترین کارتر آمده بود که هرگونه تلاش از سوی هر نیروی خارجی برای اعمال کنترل روی منطقه خلیج فارس به عنوان یک حمله به منافع حیاتی آمریکا تلقی می‌شود.

در این راستا به نظر می‌رسد که کارتر مداخله شوروی در افغانستان را به عنوان آغاز تلاش این کشور برای دسترسی به خلیج فارس تلقی کرده بود و آمریکا تصمیم گرفت مانع چنین برنامه ریزی کمونیستی شود و اعلام کرد که چنین حمله‌ای به هر شکل ممکن از جمله از طریق نیروی نظامی خنثی خواهد شد.

در دوران ریاست جمهوری کارتر (۱۹۷۷-۱۹۸۱) نقش زبگنیو برژینسکی مشاور امنیت ملی آمریکا در این زمینه را نمی‌توان نادیده گرفت. برژینسکی به عنوان یک آمریکایی لهستانی تبار در آن زمان یک مخالف متعصب کمونیسم بود که پس از انتصاب به این سمت فوراً یک گروه کاری برای تضعیف شوروی از طریق ایجاد تنش‌های قومی میان مردم این کشور تشکیل داد. به نظر می‌رسد وی به ویژه درگیر اوضاع افغانستان بوده اگرچه این کشور بخشی از شوروی سابق محسوب نمی‌شد.

برژینسکی در گفتگویی با وینسنت ژاور خبرنگار معروف فرانسوی که در ۱۵ جنوری ۱۹۹۸ در نشریه ناول آبرواتور منتشر شد، ادعاهای عجیبی را مطرح کرد.

وی گفت: براساس نسخه های رسمی تاریخی، کمک سیا به مجاهدین افغانستان در دهه ۱۹۸۰ و پس از حمله ارتش شوروی به افغانستان در ۲۴ دسمبر ۱۹۷۹ آغاز شد. اما حقیقت کاملاً برعکس است. در واقع در سوم جولای ۱۹۷۹ بود که جیمی کارتر اولین دستور برای کمک محرمانه به مخالفان حکومت حامی شوروی در کابل را صادر کرد و در همان روز من یادداشتی را به

مایکل مور فیلمساز و فعال سیاسی آمریکایی یکی از افرادی است که تا حد زیادی به قرارداد خط لوله اشاره کرده است. وی در کتاب خود به نام «مردان نادان کاخ سفید» که در سال ۲۰۰۱ چاپ شد تا حدودی درباره شرکت نفتی یونوکال و پروژه احداث یک خط لوله از قلمروی طالبان اشاره کرده و این سوال را مطرح می‌کند که «چه بر سر قرارداد خط لوله آمد؟»

وی همچنین در فیلم فارنهایت ۹/۱۱ که در آن از اقدامات دولت بوش پس از حوادث ۱۱ سپتمبر به سختی انتقاد دارد، به این موضوع پرداخته است.

جورج آرنی خبرنگار سابق بی‌بی‌سی در پاکستان در ۱۸ سپتامبر ۲۰۰۱ در گزارش محرمانه‌ای اعلام کرد که نیاز نایق دیپلمات سابق پاکستانی به بی‌بی‌سی گفته است که آمریکا قبل از ۱۱ سپتامبر در حال برنامه‌ریزی اقدام نظامی علیه اسامه بن لادن و طالبان بوده است. این دیپلمات پاکستانی در اواسط جولای ۲۰۰۱ در نشستی با حضور حضور مقامات بلندپایه آمریکایی، روسی و پاکستانی در هتلی در برلین حضور داشت. این نشست چهار روزه در برلین ظاهراً نتیجه نگرانی‌های دولت کلبیتون درباره بن لادن بوده است.

نشست برلین بخشی از یک سری گردهماییها با هدف ترسیم یک استراتژی برای کنترل بن‌لادن بود اما ظاهراً همچنین در آن مذاکراتی درباره احداث یک خط لوله نفت که به آمریکا دسترسی به منابع هیدروکربن آسیای میانه را بدهد انجام شد.

به گفته دیپلمات پاکستانی، هیاتی از آمریکا در این نشست اولتیماتوم سختی را به طالبان داد با این مضمون که «یا پیشنهاد مالی ما در ازای تحویل بن‌لادن را بپذیرید و یا اینکه ما شما را زیر آماج بمباران خود دفن خواهیم کرد.»

دیوید کیور روزنامه‌نگار آمریکایی در سال ۲۰۰۲ نوشت، پس از حملات یازده سپتامبر و به ویژه با توجه به سخنان نیاز نایق، بن‌لادن تصمیم گرفت پیش دستی کند و این امر حملات یازده سپتامبر را نه یک اقدام تروریستی تصادفی بلکه به یک حمله بازدارنده و یک پاسخ حساب شده به برنامه های نفتی دولت بوش و قدرت نمایی غیرمسئولانه وی در دنبال کردن این برنامه تبدیل می‌کند.

نیاز نایق در سال ۲۰۰۹ در محل اقامت خود در اسلام‌آباد پاکستان مورد شکنجه قرار گرفت. شکنجه‌کنندگان وی را به قتل رساندند زیرا وی بیش از آنچه که باید اطلاعات داشت. اما سپس مشخص شد که وی قبل از مرگ فجع به یک سری سوالات درباره مذاکرات خط لوله در نشست برلین پاسخ داده است. حقایق روشن شد و بحث خط لوله به یک تئوری تشریح کننده دلیل حمله آمریکا به افغانستان تبدیل شد.

قربانقلی بردی محمداف رییس جمهور ترکمنستان به‌طور ضمنی اشاره کرده که احداث خط لوله تاپی نهایتاً در سال ۲۰۱۵ شروع می‌شود. این خط لوله ۱۷۳۵ کیلومتری حدود هشت میلیارد دلار هزینه داشته و سالانه ظرفیت انتقال ۳۳ میلیارد مترمکعب گاز طبیعی را دارد. این خط لوله از شهرهای هرات و قندهار افغانستان عبور کرده و به شهر فضلیکه در پنجاب هند منتهی می‌شود.

بردی محمداف گفت: پروژه احداث خط لوله تاپی با هدف تضمین توسعه اقتصادی کشورهای مشارکت‌کننده و تقویت ثبات سیاسی منطقه خواهد بود.

حال این سوال مطرح است که آیا تکمیل خط لوله تاپی نهایتاً صلح را به افغانستان باز می‌گرداند؟ آیا افغانستان به جزو لایتفک آینده انرژی غرب تبدیل خواهد شد؟ و آیا پس از سال ۲۰۱۴ این کشور شاهد تکرار حوادث دهه‌های قبل خواهد بود؟

سپتامبر دخیل بوده تبدیل شد.